بسم الله الرحمن الرحیم

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

هویت اجتماعی

(کتاب درسی علوم اجتماعی)

رشته‌های ریاضی و فیزیک ـ علوم‌تجربی ـ فنی‌وحرفه‌ای ـ کاردانش

پایهٔ دوازدهم

دورهٔ دوم متوسطه

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: هویت اجتماعی (کتاب درسی علوم اجتماعی) ـ پایهٔ دوازدهم دورهٔ دوم متوسطه ـ ۱۱۲۲۲۰
پدید آورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: اصغر اسلامی تنها، علی انتظاری، حمید پارسانیا، حسین سوزنچی، محمدتقی عینی‌زاده، لطیف عیوضی، سید محمدعلی عمامی، نعمت‌الله کرم الهی، عبدالحسین کلانتری، محسن لب خندق، محمد مهدی ناصری، شهلا باقری، الدوز تبریزی، ربابه فتحی و فهیمه میرصانع (اعضای شورای برنامه‌ریزی) ـ شهرام آزادمنش، آزیتا بیدقی، فروغ النجمی تیموریان، محمدشریف متولی الموتی و علی نوری (همکاران شورای برنامه‌ریزی)
نصرالله آقاجانی، اصغر اسلامی تنها، حمید پارسانیا، الدوز تبریزی، حسین سوزنچی، مهدی علیانی، لطیف عیوضی، سید محمدعلی عمامی، نعمت‌الله کرم‌الهی، محسن لب خندق، فهیمه میرصانع (اعضای گروه تألیف) ـ افسانه حجتی طباطبایی (ویراستار)
مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) ـ جواد صفری (مدیر هنری) ـ مجتبی زند (طراح گرافیک) ـ مریم کیوان (طراح جلد) ـ مریم وثوقی انباردان (صفحه‌آرا) ـ سوروش سعادتمندی، حسین چراغی، فرشته ارجمند فاطمه پزشکی و فاطمه رئیسیان فیروزآباد (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی ـ ساختمان شمارهٔ ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۹ـ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران: کیلومتر ۱۷ جادهٔ مخصوص کرج ـ خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۵ـ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹ـ۳۷۵۱۵
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هفتم ۱۴۰۳

شابک ۰ـ۳۱۱۵ـ۰۵ـ۹۶۴ـ۹۷۸
ISBN: 978-964-05-3115-0

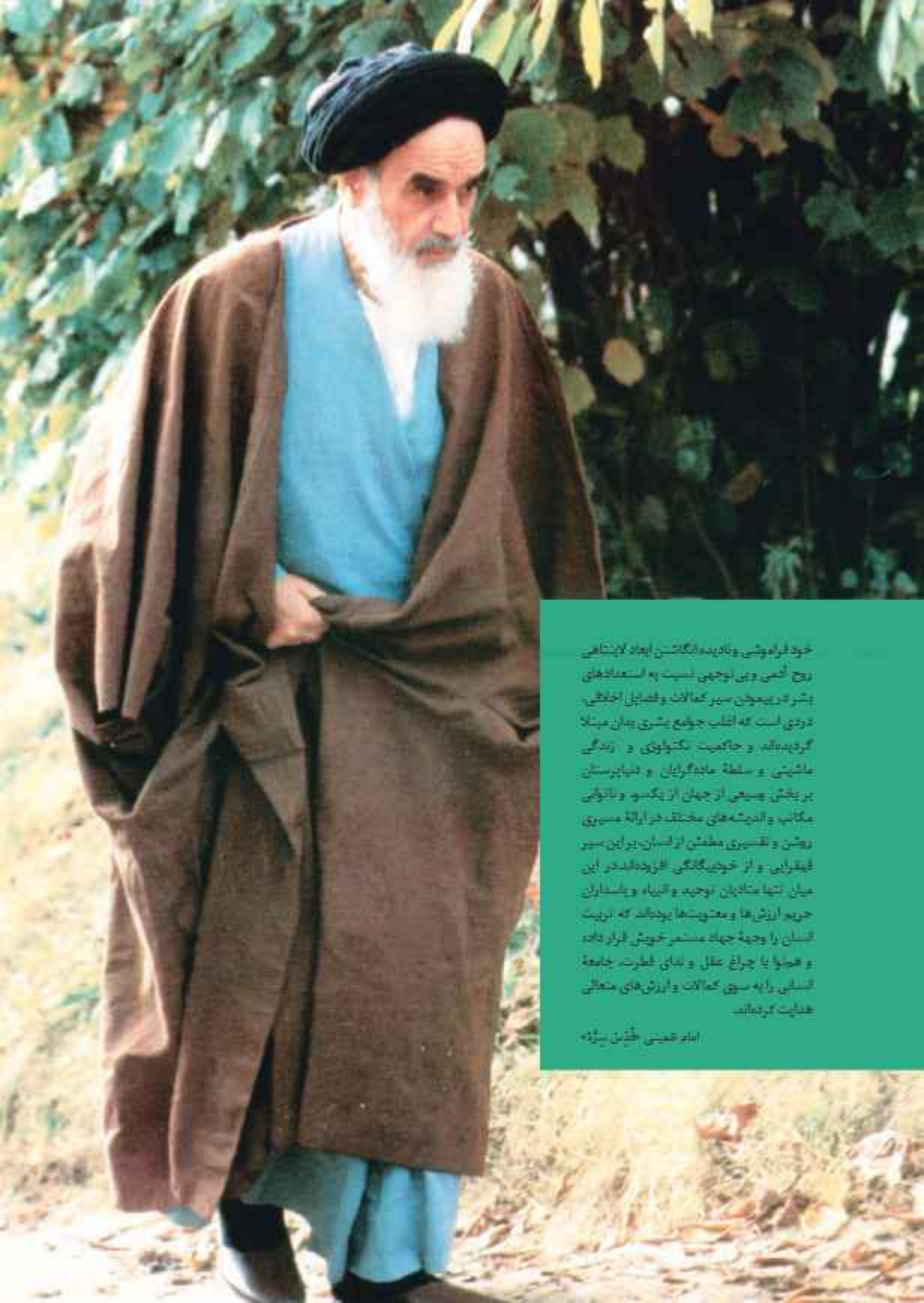

خودفراموشی و نادیده انگاشتن ابعاد لایتناهی روح آدمی و بی توجهی نسبت به استعدادهای بشر در پیمودن سیر کمالات و فضایل اخلاقی، دردی است که اغلب جوامع بشری بدان مبتلا گردیده‌اند و حاکمیت تکنولوژی و زندگی ماشینی و سلطهٔ عادت‌گرایان و دنیاپرستان بر بخش وسیعی از جهان از یکسو و ناتوانی مکاتب و اندیشه‌های مختلف در ارائهٔ مسیری روشن و تفسیری مطمئن از انسان، در این سیر قهقرایی و از خودبیگانگی افزوده‌اند. در این میان، تنها منادیان توحید و انبیاء و پاسداران حریم ارزش‌ها و معنویت‌ها بوده‌اند که تربیت انسان را وجههٔ همت مستمر خویش قرار داده و همواره با چراغ عقل و ندای فطرت، جامعهٔ انسانی را به سوی کمالات و ارزش‌های متعالی هدایت کرده‌اند.

امام خمینی (قدس سره)

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به‌صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند

فهرست

اهداف کتاب ۱
- درس اول: کنش‌های ما ۲
- درس دوم: پدیده‌های اجتماعی ۸
- درس سوم: جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) ۱۸
- درس چهارم: ارزیابی فرهنگ‌ها ۲۶
- درس پنجم: هویت ۳۵
- درس ششم: بازتولید هویت اجتماعی ۴۵
- درس هفتم: تحولات هویتی جامعه ۵۴
- درس هشتم: بعد فرهنگی هویت ایران ۶۳
- درس نهم: بعد سیاسی هویت ایران ۷۳
- درس دهم: ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران ۸۴
- منابع ۹۲

سخنی با دانش آموز

دانش‌آموزان عزیز

سلام

مخاطب کتاب علوم اجتماعی پایه دوازدهم، شما عزیزانی هستید که رشته تحصیلی‌تان علوم انسانی نیست. این کتاب زمینه آشنایی شما با علوم انسانی و اجتماعی را فراهم می‌کند. علوم انسانی و اجتماعی، خودِ انسان و زندگی فردی و اجتماعی او را مطالعه می‌کنند و مسیر شناختن و ساختن خویشتن، دیگران و جوامع انسانی‌اند. تحقیق و پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، یاددادن و یادگرفتن آنها و استفاده از این علوم در زندگی فردی و اجتماعی، شریک شدن در ساختن هویت خویشتن و جامعه است. این مهم سبب شد تا موضوع و مسئله اصلی کتاب شما، روایتِ هویت افراد و جوامع باشد.

کتاب حاضر در ده درس تنظیم شده و بستر مناسبی برای آشنایی شما با مباحث فرهنگ و هویت است. در این دروس می‌خوانید که انسان‌ها براساس آگاهی، اراده و برای رسیدن به اهداف، عمل می‌کنند. آنها در ارتباط با هم فرهنگ‌های گوناگونی را پدید می‌آورند که براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آن فرهنگ‌ها و همچنین ملاک‌ها و معیارهای فطری و حقیقی قابل نقد و ارزیابی هستند. سپس با ابعاد مختلف هویت فرد و جامعه آشنا می‌شوید. در انتها ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایرانی را مطالعه و بررسی می‌کنید.

برای استفاده مطلوب از کتاب حاضر سعی کنید خوب بشنوید، خوب بخوانید، خوب بگویید، خوب بپرسید و خوب بنویسید. برای کسب این شایستگی‌ها، بخش‌های مختلفی در کتاب گنجانده شده است:

- هر درس، مقدمه‌ای دارد. این مقدمه‌ها نشان می‌دهند که این درس به دنبال پاسخ به چه پرسش‌هایی است. پرسش‌های مطرح شده را با دقت بخوانید و با استفاده از دانسته‌ها و تجربه‌های خود به آنها پاسخ دهید. پس از مطالعه درس، پاسخ‌های اولیه خود را با پاسخ‌های کتاب مقایسه کنید.

■ در هر درس فعالیت‌هایی با عناوین مختلف مانند «گفت‌وگو کنید»، «نمونه بیاورید»، «مطالعه کنید» و... وجود دارد. این فعالیت‌ها را ضمن مطالعه درس و با هدایت و راهنمایی دبیران محترم علوم اجتماعی انجام دهید تا بتوانید آموخته‌های خود را تحکیم و تثبیت کنید یا به آنها عمق و وسعت ببخشید و برداشت عمیق‌تر و وسیع‌تری از موضوع و مسئله مورد بررسی به‌دست آورید.

■ «بخوانیم و بدانیم» راهی است برای علاقه‌مند کردن شما به مطالعه بیشتر. چه خوب است به جای مراجعه به کتاب‌های کمک درسی غیر مفید، از کتاب‌های غیر درسی مفید استفاده کنید تا در دانسته‌ها و تجربه‌های دانشمندان و اندیشمندان شریک شوید. «ببینیم و بدانیم» نیز چنین هدفی را دنبال می‌کند. فیلم‌های خوب هم می‌تواند منبعی مفید و مفرح برای کسب دانش باشد.

■ تصویرها، جدول‌ها و نمودارها بخشی از محتوای درس هستند و به شما در یادگیری مطالب و رسیدن به اهداف درس یاری می‌رسانند. از تأمل و دقت در آنها غفلت نکنید.

■ صفحه پایانی هر درس شامل سه بخش «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه از این درس آموختیم» است. با تکمیل این صفحه می‌توانید مهارت‌های بسیاری کسب نمایید و توانایی‌های خود را ارتقا ببخشید.

امید است که با استفاده از این کتاب، به اهمیت مباحث مربوط به هویت و فرهنگ پی‌ببرید. نسبت به سرنوشت هویتی جامعه خود احساس مسئولیت کنید و برای هویت‌یابی مطلوب خود و جامعه تلاش نمایید.

گروه علوم اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

اهداف کتاب

انتظار می‌رود دانش آموز با مشارکت در موقعیت‌های یاددهی ـ یادگیری این کتاب، شایستگی‌های زیر را کسب نماید:

۱. به معناداری کنش آدمی پی ببرد، پیامدهای احتمالی کنش‌ها را پیش‌بینی کند و از اثرگذاری اعضای جامعه بر پدیده‌های اجتماعی و همچنین اثرپذیری آنها از این پدیده‌ها آگاهی یابد.

۲. مفاهیم جامعه و فرهنگ را بشناسد، به تفاوت و تنوع جوامع و فرهنگ‌ها پی‌ببرد و فرهنگ‌ها را بر اساس ملاک‌های صحیح، نقد و ارزیابی کند و نسبت به گسترش فرهنگ حق و تحقق آرمان‌های آن احساس مسئولیت نماید.

۳. به عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت خود آگاه شود و برای هویت‌یابی مطلوب تلاش نماید.

۴. نقش جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی را در بازتولید هویت فرهنگی جامعه دریابد و فرصت‌ها و محدودیت‌های جوامع مختلف را برای تحرک اجتماعی و پیدایش هویت‌های جدید نقد و ارزیابی کند.

۵. علل درونی و بیرونی تحولات فرهنگی را بشناسد، این تحولات را ارزیابی کند و خود را نسبت به سرنوشت تحولات هویتی مسئول بداند.

۶. هویت ایرانی، اسلامی و انقلابی را افتخارآمیز بداند و برای تداوم و تقویت آن تلاش نماید.

۷. به اهمیت ابعاد فرهنگی، سیاسی، جمعیتی و اقتصادی هویت ایران پی ببرد و برای اصلاح و بهبود آنها راهکارهایی پیشنهاد کند.

درس اوّل

کنش‌های ما

کنش ما انسان‌ها چه ویژگی‌هایی دارد؟

تمامی مخلوقات در جهان کاری انجام می‌دهند؛

هر ذره که هست، اگر غباری است در پردهٔ مملکت به کاری است

ماه به دور زمین می‌چرخد، ابرها در آسمان حرکت می‌کنند، آب در جویبار روان است، درخت برگ و بار می‌دهد، قلب می‌تپد، خون در رگ‌های آدمی جریان دارد، کشاورز به‌کشت و زرع می‌پردازد و دانش‌آموز مطالب درسی را در ذهن مرور می‌کند. به نظر شما، فعالیت‌های انسان چه تفاوتی با فعالیت‌های مخلوقات دیگر دارد؟

ما پیاده‌روی می‌کنیم، شادی می‌کنیم، مسواک می‌زنیم، درس می‌خوانیم، ورزش می‌کنیم، نقاشی می‌کشیم، نماز می‌خوانیم و فعالیت‌های دیگری انجام می‌دهیم. در زبان فارسی برای فعالیت‌های انسان، اسم‌های گوناگونی مانند کار، عمل، فعل، رفتار، کردار و کنش وجود دارد و برای انجام‌دهندگان این فعالیت‌ها نیز اسامی مختلفی مانند کارگر، کارمند، کارگزار، کارفرما و عامل به‌کار می‌رود.

در علوم انسانی به فعالیتی که انسان انجام می‌دهد، «**کُنش**» و به انجام‌دهندهٔ آن «**کنشگر**» می‌گویند.

کنش ویژگی‌هایی دارد که آن را از فعالیت سایر مخلوقات متمایز می‌کند. به نظر شما، این ویژگی‌ها کدام‌اند؟

• وقتی برای اولین بار می‌خواهید از کالایی پیچیده مانند دوربین عکاسی یا تلفن همراه استفاده کنید، به دفترچهٔ راهنمای آن مراجعه می‌کنید ولی پس از آن، دیگر سراغی از دفترچهٔ راهنما نمی‌گیرید؛ مگر اینکه مشکلی پیش بیاید. چرا؟

کنش، آگاهانه است؛ یعنی کنش وابسته به آگاهی آدمی است و بدون آگاهی انجام نمی‌شود. برای مثال، سخن گفتن یک کنش است. اگر ما آگاهی خود را نسبت به کلمات و معانی آنها از دست بدهیم، از گفتار باز می‌مانیم. ازاین‌رو فردی که از واژگان و دستور یک زبان آگاهی ندارد، نمی‌تواند با آن زبان سخن بگوید.

بخوانیم و بدانیم

تا آگاهی نباشد کنشی صورت نمی‌گیرد. آیا کنش انسان‌ها همیشه بر اساس آگاهی صحیح صورت می‌گیرد؟ و آیا افراد در همه موارد به آگاهی موجود در کنش‌هایشان توجه دارند و از آن با خبرند؟ در حکایت زیر تأمل کنید:

روزی شخص بزرگی که از آشنایان سقراط بود با هیجان نزد او آمد و گفت: سقراط! می‌دانی دربارهٔ یکی از شاگردانت چه شنیده‌ام؟

ـ سقراط پاسخ داد: لحظه‌ای درنگ کن! آیا کاملاً مطمئنی آنچه می‌خواهی به من بگویی حقیقت دارد؟

ـ نه فقط شنیده‌ام.

ـ سقراط گفت: پس واقعاً نمی‌دانی خبر درست است یا نادرست! آیا آنچه می‌خواهی در مورد شاگردم به من بگویی خبر خوبی است؟

ـ نه برعکس!

ـ پس می‌خواهی خبر بدهی بگویی که از آن مطمئن نیستی؟ حالا بگو ببینم آنچه می‌خواهی به من بگویی برای من سودمند است؟

فرد پاسخ داد: نه واقعاً...!

ـ سقراط از این پرسش و پاسخ‌ها نتیجه گرفت و گفت: اگر می‌خواهی چیزی را به من بگویی که نه حقیقت دارد، نه خوب است و نه سودمند پس اصلاً چرا آن را به من می‌گویی!

• حتماً برای شما پیش آمده که در انجام کاری بر سر دوراهی قرار گرفته باشید؛ مثل اینکه پس از برگشت از دبیرستان، بهتر است ابتدا استراحت کنید و بعد تکالیف درسی خود را انجام دهید یا برعکس. قرار گرفتن بر سر دوراهی، یکی از ویژگی‌های کنش را نشان می‌دهد.آن ویژگی کدام است؟

کنش، ارادی است. کنش به ارادهٔ انسان وابسته است؛ یعنی تا اراده و خواست انسان نباشد، کنش انجام نمی‌شود. پس، برای انجام کنش علاوه برآگاهی، ارادهٔ انسان نیز ضروری است؛ زیرا ممکن است فردی از کاری آگاه باشد اما تصمیم به انجام آن نگیرد.

کنش‌ها ممکن است با اشتیاق یا با اکراه یا حتی از روی اضطرار و بنا به ضرورتی انجام شوند امّا در هرحال، ارادی‌اند. حتی فردی که از خطر می‌گریزد، با ارادهٔ خود این کنش را انجام می‌دهد؛ او می‌توانست بماند، با خطر روبه‌رو شود یا... .

آیا فعالیت‌هایی مانند ضربان قلب، گردش خون، بسته شدن ناخودآگاه چشم در مواجهه با خطر، کنش محسوب می‌شوند؟ چرا؟

- فردی از میان جمع برمی‌خیزد و پنجرهٔ اتاق را باز می‌کند. اگر از او بپرسید چرا این کار را کردی، چه می‌گوید؟

کنش، هدف‌دار است. پرسش «چرا چنین کاری کردی؟» را می‌توان از هر کنشگری پرسید؛ زیرا انسان فعالیت‌های خود را با قصد و هدف خاصی انجام می‌دهد، اگرچه ممکن است همیشه به آن هدف نرسد.

آیا انسان‌های مختلف از انجام کنش‌هایشان، هدف‌های یکسانی دارند؟

با توجه به این ویژگی‌ها، کنش انسان ـ برخلاف فعالیت سایر مخلوقات ـ **«معنادار»** است. انسان‌ها با توجه به معنای کنش خود، آن را انجام می‌دهند؛ مثلاً وقتی دانش‌آموزی در کلاس، دستش را بالا می‌آورد، این کار را آگاهانه، ارادی و هدف‌دار انجام می‌دهد و معنای آن اجازه خواستن از معلم است. معلم نیز در صورتی می‌تواند به او پاسخ مناسب بدهد که معنای کنش او را بیابد.

■ انسان‌ها در انجام کنش به معنای آن توجه دارند.

گفت‌وگو کنید

- بوق زدن راننده، یک کنش است. دربارهٔ معناهای مختلف آن با یکدیگر گفت‌وگو کنید.
- یک رسم رایج در منطقه یا محله زندگی خودتان را بیابید و درباره معانی آن گفت‌وگو کنید.

کنش ما چه آثار و پیامدهایی دارد؟

مدتی از شروع کلاس سپری شده است. همه به درس توجه دارند. ناگهان دانش‌آموزی درمی‌زند و اجازهٔ ورود می‌خواهد. کنش او چه تغییراتی در کلاس ایجاد می‌کند؟ دربارهٔ آثار و پیامدهای کنش او گفت‌وگو کنید. آیا می‌توانید این پیامدها را دسته‌بندی کنید؟ به نظر شما، شناخت آثار و پیامدهای کنش انسان چه اهمیتی دارد؟

هر کنشی آثار و پیامدهایی دارد. آیا پیامدهای کنش نیز همانند خود کنش، آگاهانه و ارادی‌اند؟ برخی از پیامدهای کنش به ارادهٔ انسان‌ها، یعنی خودِ کنشگر یا افراد دیگر، وابسته‌اند. به‌همین سبب به آنها **«پیامدهای ارادی»** می‌گویند. این دسته از پیامدها خودشان کنش هستند و باید کنشگری آنها را انجام دهد.

دانشجویی کتاب درسی خود را مطالعه می‌کند و در پی آن، اولاً به سؤالات امتحانی پاسخ می‌دهد؛ ثانیاً استاد، متناسب با تلاش این دانشجو به او نمره می‌دهد. پاسخ دادن به سؤالات امتحانی و نمره دادن استاد، پیامدهای ارادی کنشِ مطالعه کردن است که اولی به ارادهٔ خود او و دومی به ارادهٔ دیگری وابسته است.

فردی سلام می‌کند. پاسخ دادن یا پاسخ ندادن او پیامد ارادی کنش او محسوب می‌شود که به ارادهٔ جواب‌دهندهٔ سلام وابسته است.

اما همهٔ پیامدهای کنش این‌گونه نیستند؛ یعنی به ارادهٔ انسان‌ها بستگی ندارند. به این پیامدها **«پیامدهای غیرارادی»** می‌گویند. این دسته از پیامدها، کنش نیستند که لازم باشد کنشگری آنها را انجام دهد بلکه نتیجهٔ طبیعی کنش‌اند.

وقتی شما پنجره‌ها را باز می‌کنید، هوای کلاس عوض می‌شود. فردی که وضو می‌گیرد، دست و صورتش پاکیزه می‌شود.[1]

پیامدهای کنش

۱ـ وضو سه اثر دارد: نظافت جسم، نشاط روح و تقرّب و نزدیکی به خداوند متعال. (امام رضا علیه‌السلام)

پیامدهای غیرارادی کنش قطعی هستند؛ یعنی حتماً انجام می‌شوند ولی پیامدهای ارادی کنش احتمالی‌اند؛ یعنی ممکن است انجام بشوند یا نشوند. اگر فرد آنها را اراده کند، انجام می‌شوند و اگر آنها را نخواهد و اراده نکند، انجام نمی‌گیرند.
معمولاً انسان‌ها کنش‌های خود را با توجه به پیامدهای ارادی و غیرارادی آنها انجام می‌دهند و از انجام برخی کنش‌ها، به دلیل پیامدهای نامطلوبشان، خودداری می‌کنند.
چه خوب است که شما هم در کنش‌هایتان تأمل کنید و ببینید تا چه اندازه به این امر مهم توجّه کرده‌اید.

بخوانیم و بدانیم

فردی با اصرار از رسول اکرم ﷺ پندی خواست.
پیامبر ﷺ به او فرمود: «اگر بگویم به‌کار می‌بندی؟»
آن فرد پاسخ داد: «بله یا رسول الله!»
پیامبر ﷺ سه بار همین سؤال را از او پرسید و از او قول گرفت و توجه او را به مطلبی که می‌خواست بگوید، جلب کرد. سپس به او فرمود:
«هرگاه تصمیم به کاری گرفتی، اوّل در نتیجه و عاقبت آن کار تأمل کن؛ اگر دیدی نتیجه و عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر دیدی عاقبتش گمراهی و تباهی است، از تصمیم خود صرف نظر کن.»

آب این جوی به سرچشمه نمی‌گردد باز　　بهتر آن است که غفلت نکنیم از آغاز

هم‌اندیشی کنید

- آیهٔ «آدمی در گرو عمل خویش است» (مدثر: ۳۸) را تحلیل کنید.
- پیامدهای ارادی و غیرارادی هریک از کنش‌های زیر را مشخص کنید.

کنش	پیامدهای ارادی		پیامدهای غیرارادی
	وابسته به ارادهٔ کنشگر	وابسته به ارادهٔ دیگری	
ورزش کردن	ورزش حرفه‌ای و ورزشکار حرفه‌ای شدن	مورد تحسین و تشویق دیگران قرار گرفتن	تندرستی .....
سیگار و قلیان کشیدن	ترک آن یا معتاد شدن به آن	مورد نکوهش و بازخواست دیگران قرار گرفتن	آسیب و بیماری .....
رعایت حیا	.....	.....	.....
کنترل خشم	.....	.....	.....

مفاهیم اساسی

اصطلاحات و مفاهیم اساسی درس را در این قسمت بنویسید.

کنش،

خلاصه کنید

یعنی در این قسمت، مفاهیم اساسی را تعریف کنید یا ارتباط آنها را نشان دهید.

ـ کنش، معنادار است.

آنچه از این درس آموختیم

در این قسمت می‌توانید جمله‌هایی را که در قسمت «خلاصه کنید» نوشته‌اید، با هم ترکیب کنید و در قالب یک بند بنویسید.

فرض کنید می‌خواهید مطالبی را که در این درس یاد گرفته‌اید به زبان و قلم خودتان به دیگران آموزش دهید. نوشته‌هایتان را در کلاس بخوانید؛ با راهنمایی دبیرتان، بهترین آنها را انتخاب کنید و با ذکر نام نویسنده، در کتاب خود بنویسید.

درس دوم

پدیده‌های اجتماعی

کنش اجتماعی چیست؟

ما به دوست خود سلام می‌کنیم یا پاسخ سلام او را می‌دهیم. با ورود معلم به کلاس ازجابرمی‌خیزیم. هنگام سوار شدن به اتوبوس، حق تقدّم را رعایت می‌کنیم و به همدیگر تعارف می‌کنیم. هنگام گفت‌وگو، به حرکات و سخنان طرف مقابل توجّه می‌کنیم. با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کنیم. به دیدار بستگان می‌رویم و جویای احوالشان می‌شویم.

به نظر شما ویژگی مشترک این کنش‌ها چیست؟

موقعیتی را در نظر بگیرید که به تنهایی مشغول خوردن غذا هستیم؛ دوستی وارد می‌شود. چه تغییری در کنش ما رخ می‌دهد؟ لباس پوشیدن ما در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است؛ ما در پوشیدن لباس، دیگران را در نظر می‌گیریم. با در نظر گرفتن دیگران، کنش فردی ما به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. منظور از کنش اجتماعی چیست؟

■ کنش اجتماعی خُردترین پدیدهٔ اجتماعی است.

کنش‌ها انواعی دارند. برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی‌اند. کنش اجتماعی نوعی کنش است که با توجه به دیگران انجام می‌شود. در کنش اجتماعی، اراده و آگاهی کنشگر ناظر به دیگران، ویژگی‌ها و اعمال آنهاست.

کنش اجتماعی فقط در حضور فیزیکی دیگران صورت نمی‌گیرد. وقتی راننده‌ای پشت چراغ قرمز می‌ایستد، مقرراتی را رعایت می‌کند که مورد قبول دیگران است. به همین سبب، کنش او اجتماعی است. رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی در نیمه‌شب و به دور از چشم دیگران و حتی دوربین‌های مخفی نیز یک کنش اجتماعی است.

به نظر شما، کنش‌هایی که در حضور دیگران ولی بدون توجه به آنها انجام می‌گیرند، کنش اجتماعی‌اند؟ برای مثال، فردی که در کلاس درس حضور دارد ولی بی توجه به اطرافیان در ذهن خود رودخانه‌ای خروشان را تخیّل می‌کند، کنشی اجتماعی انجام داده است؟

■ برخی کنش‌ها در حضور دیگران انجام نمی‌شوند امّا اجتماعی‌اند. در مقابل، برخی کنش‌ها با اینکه درحضور دیگران انجام می‌شوند، فردی هستند.

بخوانیم و بدانیم

هرگزوجودحاضرغایب‌شنیده‌ای　　من درمیان جمع ودلم جای دیگراست

روزی ابوعلی‌سینا در خانه‌اش نشسته بود و یکی از کتاب‌های افلاطون، دانشمند یونان باستان را با لذت می‌خواند. او چند سال به دنبال این کتاب گشته بود تا سرانجام آن را به‌دست آورده بود و عجله داشت تا هرچه زودتر آن را مطالعه کند. هرچه بیشتر می‌خواند لذت بیشتری می‌برد و کنجکاوی او برای خواندن مابقی کتاب بیشتر می‌شد. ناگهان در خانه باز شد و یکی از همسایگان وی قدم در خانه گذاشت و با دیدن ابوعلی‌سینا پرسید: همسایه عزیز چرا تنها نشسته‌ای؟ ابوعلی‌سینا که رشته افکارش پاره شده بود آهی کشید و گفت: تنها نبودم، الان تنها شدم!

نمونه بیاورید

برای شناخت عمیق‌تر کنش اجتماعی، لازم است کمی بیشتر به واژهٔ «دیگران» دقت کنید. دیگران، یعنی کسانی که کنشگران با توجه به آنها دست به کنش می‌زنند، متفاوت‌اند. در اینجا انواع مختلفی از دیگران ذکر شده است. تلاش کنید در رابطه با هر کدام، یک کنش اجتماعی مثال بزنید.

غریبه/ آشنا

دوست/ دشمن

گذشتگان/ معاصران/ آیندگان

مؤمن/ کافر/ منافق

با این مثال‌ها، متوجه می‌شوید؛ کنشی که ناظر به هرکدام از موارد بالا صورت می‌گیرد، آداب و قواعد خاصی می‌خواهد. آیا تاکنون فکر کرده‌اید که این آداب چگونه شکل می‌گیرند، چگونه دوام می‌آورند یا تغییر می‌کنند؟

(برای آشنایی با آداب برقراری ارتباط با دیگران، می‌توانید به کتاب مفاتیح‌الحیاة اثر آیت‌الله جوادی آملی مراجعه کنید.)

افطار کنار مزار شهدا، کنش ناظر به دیگران

پدیده‌های اجتماعی کدام‌اند و چگونه شکل می‌گیرند؟

به پدیده‌های اطرافتان توجه کنید. با کمک دبیر خود تعدادی از آنها را روی تخته بنویسید. برخی از پدیده‌هایی که نوشته‌اید، اجتماعی‌اند. آیا می‌توانید آنها را مشخص کنید؟ چرا این پدیده‌ها را اجتماعی می‌دانید؟ به نظر شما، این پدیده‌ها چه ارتباطی با کنش اجتماعی دارند؟

بانک، مسجد، پلیس، مدرسه، خانواده، گروه دوستان، نمادها، هنجارها، ارزش‌ها و باورهای اجتماعی نمونه‌هایی از پدیده‌های اجتماعی هستند. به کنش اجتماعی و پیامدهای آن «**پدیدهٔ اجتماعی**» می‌گویند. کنش اجتماعی خُردترین (کوچک‌ترین) پدیدهٔ اجتماعی است و سایر پدیده‌های اجتماعی، آثار و پیامدهای آن هستند.

مثلاً فردی به تنهایی و با صدای دلخواه در اتاقی مطالعه می‌کند. حال اگر فرد دیگری وارد اتاق شود، مطالعهٔ او به یک کنش اجتماعی تبدیل می‌شود و پای ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را به‌میان می‌آورد. چنین فردی برای رعایت حقوق دیگری (تحقق یک ارزش) باید تا زمانی که او در اتاق حضور دارد، آرام مطالعه کند (پیدایش یک هنجار).

هنجار اجتماعی، شیوهٔ انجام کنش اجتماعی است که مورد قبول افراد جامعه قرار گرفته است؛ مثلاً در هر جامعه‌ای احوالپرسی از دیگران شیوه‌های معینی دارد.

ارزش‌های اجتماعی آن دسته از پدیده‌های مطلوب و خواستنی هستند که مورد توجه و پذیرش‌اند و افراد یک جامعه، به آنها گرایش و تمایل دارند.

اگر کنش اجتماعی نباشد، هیچ هنجاری شکل نمی‌گیرد و هیچ‌یک از ارزش‌های اجتماعی، مانند عدالت، امنیت، سعادت و آزادی، محقق نمی‌شوند.

ارزش‌ها از جنس هدف و مقصود هستند و هنجارها از جنس وسیله و راه رسیدن به ارزش‌ها هستند.

ارزش (هدف)	هنجار (شیوه و روش)
نظم	وسایلمان را در جای مناسب بگذاریم. .....
ادب	به دیگران سلام کنیم و سلام دیگران را پاسخ دهیم. .....
عفت	.....
حجاب (حفظ حریم)	پوشش شرعی. .....
.....	.....
ثروت	.....

ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از طریق کنش‌های اجتماعی تحقق می‌یابند و پدیده‌های اجتماعی «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی»[1] را ضروری می‌سازند تا ارزش‌ها و هنجارها را از طریق تعلیم و تربیت، تشویق و تنبیه به افراد منتقل کنند. افراد نیز با عمل کردن براساس ارزش‌ها و هنجارها، موجب تداوم و استمرار آنها می‌شوند.

تمامی پدیده‌های اجتماعی خرد (کوچک) و کلان (بزرگ)[2] به همین طریق شکل می‌گیرند.

۱ـ با این پدیده‌ها در درس ۶ بیشتر آشنا می‌شوید.

۲ـ پدیده‌های اجتماعی را می‌توان براساس اندازه و دامنه از یکدیگر تفکیک کرد. به این ترتیب می‌توان طیفی را در نظر گرفت که در یک سوی آن پدیده‌های اجتماعی خرد مانند کنش اجتماعی و در سوی دیگر آن پدیده‌های کلان مانند جامعه و فرهنگ قرار می‌گیرند.

■ عقاید، ارزش‌ها و هنجارها از طریق جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی به افراد منتقل می‌شوند.

پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها در ارتباط با یکدیگر به‌وجود می‌آورند و چون افراد با آگاهی، اراده و هدف عمل می‌کنند، پدیده‌های اجتماعی معنا دارند.

پدیده‌های اجتماعی به مرور از انسان‌هایی که آنها را به‌وجود آورده‌اند، مستقل می‌شوند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کنش‌ها و زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند. این روند تا جایی ادامه پیدا می‌کند که افراد احساس می‌کنند «پدیده‌های اجتماعی» همانند «پدیده‌های طبیعی» هستند. درحالی‌که می‌دانید پدیده‌های اجتماعی را انسان‌ها خلق می‌کنند و نتیجهٔ کنش‌های افراد هستند. ولی پدیده‌های طبیعی را انسان‌ها خلق نکرده‌اند.

بخوانیم و بدانیم

انسان‌ها پدیده‌های اجتماعی را برای رفع نیازها و تأمین سعادت خود پدید می‌آورند. ولی در مواردی خود این پدیده‌ها اصل قرار می‌گیرند و به‌جای اینکه در خدمت سعادت بشر باشند، انسان‌ها را به خدمت می‌گیرند؛ مثلاً مراسم عروسی، مقدمه و روش اعلان ازدواج و تشکیل خانواده است. ولی گاهی خود، جای هدف می‌نشینند و با شرایط سخت، هزینه‌های سنگین و حاشیه‌های فراوانی که به همراه می‌آورد یکی از عوامل تأخیر ازدواج و موانع تشکیل خانواده می‌گردد. شما در مورد سایر پدیده‌های اجتماعی مانند پول و تکنولوژی تأمل کنید.

مقایسه کنید

کوه پدیده‌ای طبیعی و ساختمان اداری، پدیده‌ای اجتماعی است. با مقایسهٔ آنها تفاوت پدیده‌های طبیعی و اجتماعی را مشخص کنید.

معیار	کوه	ساختمان اداری
نقش انسان در پیدایش آن		
معنادار بودن		
محسوس بودن		

از «من» تا «ما»؟

به‌نظر شما از «من بودن» تا «ما شدن» چقدر فاصله است؟ این مسیر، گاهی ساده و سر راست به‌نظر می‌آید و گاهی دشوار و پیچیده! خوب است بدانید که این پرسش، یکی از پرسش‌های مهم علوم اجتماعی است. از آن دسته پرسش‌هایی که جدا از پاسخی که به آن می‌دهیم، فهم خودِ پرسش، بسیار مهم است. برخی در پاسخ به چنین پرسش‌هایی عجله می‌کنند و از فهم عمیق پرسش باز می‌مانند. راستی شما در این مورد چگونه می‌اندیشید؟

آبی دریا به رنگ آسمان
قطره‌ها بی‌رنگ و از دریا جداست
قطرهٔ تنها چرا بی‌رنگ ماند؟
رنگ دریاهای آبی از کجاست؟
قطرهٔ تنها به دور از قطره‌ها
با خود آهنگ جدایی می‌زند
قطره‌هایی را که با هم می‌روند
آسمان رنگ خدایی می‌زند
این «من و تو» حاصل تفریق ماست
پس تو هم با من بیا تا ما شویم
حاصل جمع تمام قطره‌ها
می‌شود دریا، بیا دریا شویم

(قیصر امین‌پور)

سراسر زندگی اجتماعی می‌تواند زمینهٔ پیوند انسان‌ها با یکدیگر و عبور از «من و تو» و تشکیل «ما» باشد. «من»ها درون «ما» حل نمی‌شوند و از بین نمی‌روند بلکه «من»ها با «ما» از دایرهٔ تنگ و محدود خود فراتر می‌روند و بزرگ و بزرگوار می‌شوند. راستی «ما»ها نیز با هم تفاوت دارند. برخی از «ما»ها در رشد، بالندگی و تعالی انسان‌ها تأثیر بیشتری دارند. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: همواره در راه نیکی و پرهیزکاری تعاون کنید و هرگز در راه گناه و تعدّی همکاری نکنید[1].

آموختید که کنش‌های ما انسان‌ها، آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی دارند. این آثار و پیامدها می‌توانند کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باشند. ازدواج و تشکیل خانواده یکی از زمینه‌های پیوند میان انسان‌ها و گذر از «من» به «ما»ست. اکنون در آثار و پیامدهای ازدواج، تشکیل خانواده و فرزندآوری تأمل کنید.

عزم هر فرد برای ازدواج و تشکیل خانواده و تصمیم هر خانواده برای داشتن فرزند، در شیوهٔ زندگی خودشان و دیگران مؤثر است. مثلاً در خانواده‌های تک‌فرزند، نوع ارتباط، محدود به ارتباط پدر و مادر و فرزند است. در این خانواده‌ها، معمولاً کودکان در خانه ارتباط با افراد هم‌سن و سال و

۱ـ وَ تَعاوَنوا عَلَی البِرِّ وَالتَّقوی و لا تَعاوَنوا عَلَی الإثمِ وَالعُدوان. (سورهٔ مائده، آیهٔ ۲)

هم‌نسل‌های خود را نمی‌آموزند. در غالب خانواده‌های تک‌فرزند، والدین، هم انتظار بالایی از فرزند خود دارند و هم حمایت و پشتیبانی زیادی از او به‌عمل می‌آورند. همین وضعیت می‌تواند کودک را زودرنج و آسیب‌پذیر کند. در عوض در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند از تمرکز افراطی والدین بر فرزندان کاسته می‌شود و پدر و مادر با درک تفاوت‌های کودکان خود، انتظاراتشان را تنظیم می‌کنند. فرزندان نیز در تعامل با یکدیگر، ارتباط گرفتن با دیگران، تقسیم کار، تعاون و همکاری در انجام کارها را بهتر یاد می‌گیرند.

به نظر شما خانواده تک‌فرزند چه آثار و پیامدهای تربیتی دیگری برای اعضای خود دارد؟

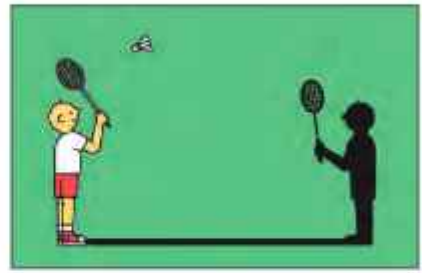

می‌دانید که گروه‌های کوچک مانند محله، روستا، شهر و... و گروه‌های بزرگ مانند جامعه، کشور و... با وجود فرد فرد اعضا و مشارکت اجتماعی آنها، شکل می‌گیرند و دوام می‌آورند. با بروز نقصان و کاستی در تعداد افراد چنین گروه‌هایی، کمابیش زندگی و دوام آنها با تهدید روبه‌رو می‌گردد و در مقابل، با افزایش تعداد جمعیت یک قوم، فرهنگ و آیین، امکان تأثیرگذاری آن بر سایر فرهنگ‌ها، اقوام و آیین‌ها افزایش می‌یابد. به همین دلیل، در هر جامعه‌ای میزان گرایش افراد و خانواده‌ها به فرزندآوری، از نظر کمّی و کیفی اهمیت فراوان دارد. در جامعه‌ای که اغلب خانواده‌های آن، چندفرزندی هستند، با تولد هر نوزاد، نیازهای او به‌عنوان یک عضو جامعه نیز طرح و پیگیری می‌شود. آیا همین پدیده نمی‌تواند زمینهٔ پویایی و بالندگی جامعه را فراهم کند؟

آیا تولد هر نوزاد، نمی‌تواند نویدبخش تولد یک نابغه و پیدایش ایده یا طرح و برنامه‌ای نو برای طیف گسترده‌ای از انسان‌ها باشد؟

بخوانیم و بدانیم

میزان تغییرات جمعیتی هر کشور از طریق محاسبهٔ **«میزان رشد طبیعی جمعیت»** در بازه‌های زمانی معین، ارزیابی می‌شود. میزان رشد طبیعی جمعیت از دو عامل **«تعداد تولد»** و **«تعداد**

مرگ و میر» و اختلاف بین آنها به‌دست می‌آید؛ اگر تعداد تولد به نسبت مرگ و میر، رقم بالایی باشد رشد جمعیت مثبت است و اگر در زمان و مکان معین، مرگ و میر افراد در مقابل تولد افزایش یابد، رشد جمعیت، منفی خواهد بود. در حال حاضر در برخی کشورها، به‌ویژه کشورهای صنعتی، رشد جمعیت منفی است. در این کشورها، به‌دلیل عدم گرایش و تمایل خانواده‌ها به فرزندآوری، تعداد موالید در مقایسه با مرگ و میر، کمتر است.

در کنار این شاخص، شاخص دیگری با عنوان **«نرخ جایگزینی»** وجود دارد. **نرخ جایگزینی به این معنی است که هر زن در طول عمر خود چه تعداد فرزند به‌دنیا می‌آورد.** جمعیت‌شناسان رقم جایگزینی را بین عدد ۲/۱ تا ۲/۲ تعیین می‌کنند. به عبارت دیگر، هر زن در طول عمر خود، باید حداقل دو فرزند به دنیا بیاورد تا روند طبیعی جمعیت دچار اختلال نشود.

عدم پذیرش مسئولیت والدگری و محدود شدن بُعد خانواده به خانواده بی‌فرزند یا تک‌فرزند توسط اکثر افراد جامعه، پدیدهٔ **«سالمندی جمعیت»** را در پی خواهد داشت. شاخص سالمندی از افزایش نسبت سالمندان در جمعیت و به بیانی دیگر، کاهش نسبت افراد ۱۴ـ۰ ساله و افزایش نسبت افراد ۶۰ تا ۶۵ سال و بالاتر خبر می‌دهد.

مطالعات نشان می‌دهد که جمعیت ایرانِ ما به سوی سالمندی می‌رود. براساس نتایج یک پژوهش انجام شده در مرکز آمار، جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۱۰۱ میلیون نفر خواهد رسید و طبق پیش‌بینی‌های منابع بین‌المللی، ساختار سنی جمعیت کشور ما در سال‌های بعد از ۱۴۳۰، از یک ساختار کاملاً جوان به یک ساختار سالخورده تبدیل خواهد شد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که سهم جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر، تا سال ۱۴۳۰ به حدود ۲۲ درصد برسد. درواقع بیشترین سهم در هرم سنی جمعیت به این گروه اختصاص می‌یابد. اگر جمعیت بالای ۶۵ سال بیش از ۱۰ درصد جمعیت کل کشور باشد، کشور پیر محسوب می‌شود. این پدیده، یک زنگ خطر بزرگ برای آیندهٔ ماست!

پدیدهٔ مسن شدن جمعیت، تبعات فراوانی به همراه دارد. افزایش جمعیت سالمند کشور، افزایش هزینه‌ها را دربر دارد. این هزینه‌ها عمدتاً به هزینه‌های بهداشت و درمان مربوط می‌شود. در کشور برای ارائه خدمات و رفع نیازهای سالمندان، به اندازه کافی، نیروی جوان وجود نخواهد داشت. در سطح فردی

نیز فرزندان خانواده‌های تک‌فرزند، ناچارند علاوه بر مسائل شخصی، به‌تنهایی تعهدات فرزندی، حمایت عاطفی و رسیدگی به مسائل والدین خود را انجام دهند. به‌نظر شما مسئلهٔ سالمندی جمعیت، برای کشور ما چه تبعات دیگری دارد؟

تحقیق کنید

کشورها در مواجهه با روند کاهش جمعیت، برای جبران و ترمیم جمعیت خود، روش‌های مختلفی را در پیش می‌گیرند. با راهنمایی دبیر خود برخی از تجربه‌های کشورهای مختلف را در این رابطه مطالعه کنید و به کلاس گزارش دهید.

مقایسه رشد جمعیت در کشورهای مختلف

نام کشور	نرخ رشد ۲۰۱۲	نرخ رشد ۲۰۱۹	مقدار افزایش
کانادا	۰/۷۶	۱/۲	۰/۴۴
سوئیس	۰/۷۸	۱/۰۹	۰/۳۱
روسیه	-۰/۰۳	۰/۲	۰/۲۳
آمریکا	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۲
کره جنوبی	۰/۱۶	۰/۳۳	۰/۱۷
انگلیس	۰/۵۴	۰/۷	۰/۱۶
ژاپن*	-۰/۱۳	-۰/۰۲	۰/۱۱
فرانسه	۰/۴۵	۰/۵۶	۰/۱۱
آلمان	-۰/۱۸	-۰/۰۵	۰/۱۳
چین	۰/۴۴	۰/۵۱	۰/۰۷

* ملاحظه می‌کنید که دو کشور ژاپن و آلمان از رشد منفی جمعیت برخوردارند. براساس آمارهای اعلام شده، در بازه زمانی ۲۰۲۱ـ۲۰۲۰ جمعیت ژاپن با کاهش ۶۴۴ هزار نفری روبه‌رو شده است و مهم‌ترین دلیل کاهش جمعیت در ژاپن، عدم تمایل زنان به فرزندآوری است. نرخ باروری در ژاپن از دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد کاهشی بوده است. نرخ باروری در دهه ۲۰۰۰ میلادی به رقم ۱/۳ درصد در ازای هر زن رسید. این رقم در ۲۰۰۵ میلادی به ۱/۲۶ درصد رسید. در دهه ۲۰۱۰ میلادی به بعد نرخ باروری در ژاپن با افزایش اندکی روبه‌رو شد و به رقم ۱/۴ درصد رسید. میانگین سنی جمعیت ژاپن به ۴۸/۴ سال رسیده و این کشور ثروتمند آسیایی اکنون پیرترین کشور جهان به‌شمار می‌رود. دولت ژاپن پیش‌بینی می‌کند که در افق ۲۰۶۰ تقریباً نیمی از جمعیت این کشور را افراد سالخورده تشکیل خواهند داد. از طرفی برآورد می‌شود که ظرف چهار دهه آینده جمعیت ژاپن که اکنون ۱۲۷میلیون نفر است، بیش از ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت و در حدود ۸۸ میلیون نفر خواهد شد.

مفاهیم اساسی

پدیدهٔ اجتماعی،

خلاصه کنید

ـ به کنش‌های اجتماعی و پیامدهای آن، پدیدهٔ اجتماعی می‌گویند

آنچه از این درس آموختیم

درس سوم

جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی)[1]

از جامعه و فرهنگ چه تصوری دارید؟

شما با دو واژهٔ جامعه و فرهنگ آشنا هستید؛ در گفت‌وگوها از آنها استفاده می‌کنید و معمولاً آنها را با هم به‌کار می‌برید. به‌نظر شما بین این‌دو واژه چه تفاوتی وجود دارد و چه نسبتی باهم دارند؟

وقتی به شهر جدیدی سفر می‌کنید، افرادی را می‌بینید که با یکدیگر زندگی می‌کنند. اگر مدتی در آن شهر بمانید و با آنها زندگی کنید، به تدریج با شیوهٔ زندگی و چگونگی ارتباطات آنها آشنا می‌شوید. آنچه در نخستین برخورد مشاهده می‌کنید، جامعه و آنچه به تدریج می آموزید، فرهنگ است.

۱ـ جامعه و فرهنگ جدا از یکدیگر نیستند. جامعه و فرهنگ را «جهان اجتماعی» می‌نامند. جامعه را می‌توان به منزلهٔ سخت‌افزار و فرهنگ را به منزلهٔ نرم‌افزار آن در نظر گرفت.

«**جامعه**» به گروهی از انسان‌ها گفته می‌شود که برای سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می‌کنند.
«**فرهنگ**» شیوهٔ زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند.
خوراکی‌ها، پوشش‌ها، گویش‌ها، آداب و رسوم عروسی و عزاداری، آداب معاشرت، شیوه‌های گذران اوقات فراغت، شیوه‌های یاددهی و یادگیری، ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، نگرش به عالم و آدم و... از مصادیق فرهنگ به شمار می‌آیند.
فرهنگ لایه‌ها و سطوح متفاوتی دارد؛ برخی از این لایه‌ها سطحی‌تر و بیرونی هستند مانند نمادها و هنجارها. ارزش‌ها و عقاید لایه‌های عمیق‌تر فرهنگ هستند. لایه‌های سطحی امکان تغییر بیشتری دارند. لایه‌های عمیق کمتر در معرض تغییر قرار می‌گیرند و تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر دارند و در مقایسه با هنجارها و نمادها اهمیت بیشتری دارند. به همین دلیل، تغییرات اساسی در لایه‌های عمیق فرهنگ آن را به فرهنگ دیگری تبدیل می‌کند.

■ آداب و رسوم، بازی‌های محلی، صنایع دستی و خوراکی‌ها از مصادیق فرهنگ‌اند.

جامعه بدون فرهنگ وجود ندارد. فرهنگ نیز بدون جامعه پدید نمی‌آید. جامعه و فرهنگ را می‌توان به جسم و جان انسان تشبیه کرد. جامعه مانند جسم و کالبد، و فرهنگ همانند جان و روح است.

جوامع مختلف، شیوه‌های متفاوتی برای زندگی دارند و دلیل تفاوت آنها این است که فرهنگ آموختنی است[1] و از راه آموزش و تربیت از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل فرهنگ را آگاهی و شناخت مشترک نیز می‌نامند.

در یک جامعه نیز شیوهٔ زندگی مردم در همهٔ مناطق یکسان نیست.

همهٔ ما ایران را کشور خود می‌دانیم؛ از حق و حقیقت دفاع می‌کنیم، راست‌گویی را ارج می‌نهیم، ظلم و بی عدالتی را بد می‌شماریم، احترام به بزرگ‌ترها را لازم می‌دانیم و انسان‌های فداکار را تحسین می‌کنیم اما همهٔ ما در سراسر کشور با گویش و لهجه واحدی سخن نمی‌گوییم. مردم هر شهر، خصوصیات اخلاقی و رفتاری ویژه‌ای دارند و هر صنف دارای ارزش‌ها، مقررات، دانش‌ها و مهارت‌های خاصّی است.

آن بخش از فرهنگ که همهٔ مردم یک جامعه در آن اشتراک دارند، «**فرهنگ عمومی**» و بخش‌هایی که مربوط به یک قوم، قشر، صنف یا گروه است، «**خرده‌فرهنگ**» نامیده می‌شود.

■ بخشی از آداب و رسوم ازدواج و عروسی در میان تمامی اعضای جامعهٔ ما مشترک است ولی مردم مناطق مختلف آداب و رسوم مخصوص به خود را نیز دارند.

خرده‌فرهنگ‌هایی که درون یک فرهنگ عمومی قرار دارند، اغلب با فرهنگ عمومی سازگارند، درمواردی ممکن است عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های درون یک خرده‌فرهنگ، ناسازگار و مخالف با فرهنگ عمومی باشد. در این‌صورت، این خرده‌فرهنگ را «**ضد فرهنگ**» می‌نامند. خرده‌فرهنگ گروه‌هایی که انحراف اجتماعی دارند، مانند بزهکاران، سارقان و... ضد فرهنگ

۱ـ فرهنگ از طریق وراثت (ژن‌ها) از نسلی به نسل دیگر منتقل نمی‌شود. هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد یا به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌شود.

است. خرده‌فرهنگ‌های سازگار با فرهنگ عمومی را خرده‌فرهنگ موافق می‌گویند. مثل خرده‌فرهنگ‌های مربوط به اصناف مختلف درون یک جامعه.

■ خرده فرهنگ اقوام و اصناف مختلف، اغلب خرده فرهنگ موافق و خرده فرهنگ اوباش و گدایان ضدفرهنگ است.

گفت‌وگو کنید

- وقتی وارد جامعه‌ای می‌شوید چگونه به مسلمان بودن یا مسلمان نبودن آنها پی می‌برید؟ از ویژگی‌های فرهنگ اسلامی چند مورد را نام ببرید.
- با دوستان خود دربارهٔ ویژگی‌های فرهنگ عمومی ایرانی ـ اسلامی و خرده‌فرهنگ‌های رایج درون این فرهنگ عمومی گفت‌وگو کنید.

ببینیم و بدانیم

مجموعهٔ مستند «برای مهمانی» آیین‌های ماه مبارک رمضان در مناطق مختلف ایران را معرفی می‌کند. با مشاهدهٔ هر قسمت از این مجموعه، با خرده فرهنگ‌های رایج در ماه رمضان در یکی از شهرها یا روستاهای ایران آشنا می‌شوید.

جامعه و فرهنگ (جهان اجتماعی) چه الزاماتی دارد؟

آموختید که انسان‌ها با آگاهی و ارادهٔ خود به کنش اجتماعی می‌پردازند و با همین کنش‌ها در ساختن جامعه و فرهنگ و تداوم آن مشارکت می‌کنند، امّا آیا این بدان معناست که ما همواره می‌توانیم هرطور که بخواهیم جهان اجتماعی (جامعه و فرهنگ) را بسازیم یا تغییر دهیم یا اینکه جامعه و فرهنگ پس از آنکه پدید آمد، الزام‌هایی دارد که بر کنش‌های ما تأثیر می‌گذارد؟

یکی از جامعه‌شناسان (اگوست کنت) معتقد است که سهم مردگان در ساختن جامعه بیشتر از سهم زندگان است؛ یعنی سهم پیشینیان ما در ساختن جامعه، بیشتر از ما بوده است. همچنان‌که سهم ما در ساختن جامعه و فرهنگ آیندگان، بیش از آیندگان است. شما در این‌باره چه فکر می‌کنید؟

ما انسان‌ها در جامعه و فرهنگی دیده می‌گشاییم که توسط گذشتگان ما پدید آمده است. جامعه‌ای که باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای آن شکل گرفته‌اند و به فعالیت‌های اجتماعی ما شکل می‌دهند؛ اما هریک از ما صرفاً کنشگری منفعل و مجبور نیستیم بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم، گسترش و پیشرفت این جهان اجتماعی حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهان اجتماعی جدیدی گام برداریم.

تا زمانی که هر جامعه و فرهنگی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، الزامات آن نیز باقی است. اگر جامعه و فرهنگ موجود تغییرکند و در پی آن الزام‌ها و پیامدهایش برداشته شود، جامعه و فرهنگ جدیدی شکل می‌گیرد که الزام‌ها و پیامدهای دیگری به دنبال می‌آورد. الزام‌ها و پیامدهای هر جامعه و فرهنگی به‌صورت فرصت‌ها و محدودیت‌ها ظاهر می‌شوند. این فرصت‌ها و محدودیت‌ها، کنش‌های ما را امکان‌پذیر می‌سازند و از این طریق زندگی ما را متأثر می‌سازند.

فرصت‌ها و محدودیت‌ها به یکدیگر وابسته‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری محقق نمی‌شوند. به‌عبارت دقیق‌تر، فرصت‌ها و محدودیت‌ها دو روی یک سکه‌اند.

بخوانیم و بدانیم

هر خانه‌ای نقشه‌ای دارد که یک معمار، آن را در قالب در و دیوار بنا می‌کند. بدون این اجزا، هیچ نقشه‌ای بر روی زمین تبدیل به خانهٔ واقعی نمی‌شود. آیا یک خانه می‌تواند تنها از در، یا تنها از دیوار ساخته شده باشد؟ اگر صرفاً از دیوار ساخته شده باشد، ورود و خروج به آن غیرممکن می‌شود و اگر همه‌اش در و پنجره باشد، امنیت و آرامش اهل خانه را تأمین نمی‌کند. اگر درها و دیوارها را فرصت‌ها و محدودیت‌های خانه فرض کنیم، هیچ خانه‌ای بدون این فرصت‌ها و محدودیت‌ها ممکن نمی‌شود. جهان اجتماعی نیز در قالب فرصت‌ها و محدودیت‌ها تحقق می‌یابد.

قوانین راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد را انسان‌ها وضع می‌کنند. اجرای این مقررات برای رانندگان و عابران محدودیت‌هایی پدید می‌آورد ولی با وجود این محدودیت‌ها، عمل کردن به آنها فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

به زبانی که مردم یک جامعه با آن صحبت می‌کنند توجه کنید. زبان، دستور و قواعد پیچیده‌ای دارد. مردمی که با آن سخن می‌گویند، باید قواعدش را بیاموزند و در چارچوب آن حرف بزنند. آنها نمی‌توانند هرگونه که دلشان بخواهد صداها، حرف‌ها، کلمات و جملات را به‌کار ببرند. با این حال همین محدودیت‌ها، فرصت ارتباط با هم‌زبانان و مبادلهٔ معانی پیچیده را فراهم می‌آورد.

جوامع مختلف را می‌توان براساس آرمان‌ها و ارزش‌های آنها و نیز فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد.

برخی از جوامع براساس عقاید و ارزش‌هایشان استعدادهای معنوی انسان را نادیده می‌گیرند و یا فرصت شکوفایی فطرت آدمی را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع بسط ابعاد دنیوی وجود انسان می‌شوند و نسبت به نیازهای مادی و دنیوی انسان بی‌توجه‌اند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

بخوانیم و بدانیم

فرهنگ‌ها به دو نوع دنیوی و معنوی تقسیم می‌شوند:

- به فرهنگ دنیوی «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و منظور از آن، فرهنگی است که عقاید و ارزش‌های آن، مربوط به همین جهان است. در این فرهنگ، جهانِ دیگر انکار می‌شود یا در محدودهٔ منافعی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. فرهنگ دنیوی همهٔ ظرفیت‌ها و استعدادهای انسان را در خدمت دنیا به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد.

● فرهنگ معنوی، هستی را فراتر از طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایهٔ حیات برتر، مقدّس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدودهٔ مرزهای این جهان عبور کرده، چهره‌ای آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.

فرهنگ معنوی دو نوع توحیدی و اساطیری دارد. فرهنگ اسلام و انبیای الهی که تفسیری توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، فرهنگ توحیدی است، اما فرهنگِ اساطیری، به خداوندگاران و قدرت‌های فوق‌طبیعی قائل است و محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی است.

فرهنگ جدید غرب[1] فرهنگی دنیوی است. در این فرهنگ آدمیان در جهت برخورداری از زندگی دنیوی و تسلط بر این عالم گام برمی‌دارند و دارای اهداف دنیوی هستند و برای رسیدن به این اهداف از علوم تجربی استفاده می‌کنند.

■ ایستگاه فضایی بین‌المللی، فضایی برای کار، پژوهش و زندگی فضانوردان در مدار نزدیک زمین است. گسترش فناوری از فرصت‌های فرهنگ غرب است.

■ فیلم سینمایی «عصر جدید»، ناامیدی مردم از وضعیت اقتصادی در دورهٔ رکود بزرگ و همچنین، گرفتار شدن آنها در روزمرگی‌های دنیای مدرن را به تصویر می‌کشد.

گفت‌وگو کنید

با راهنمایی دبیر خود، دربارهٔ دو فرهنگ متفاوت و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی که برای بشریت به همراه داشته‌اند، گفت‌وگو کنید.

۱ـ فرهنگ دنیوی غرب را جهان متجدد یا جهان مدرن نیز می نامند و منظور از آن، غرب پس از رنسانس یعنی غرب چهارصد سال اخیر می‌باشد.

مفاهیم اساسی

فرهنگ:

خلاصه کنید

- فرهنگ، روح و جان یک جامعه است.

آنچه از این درس آموختیم

درس چهارم

ارزیابی فرهنگ‌ها

منظور از فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی چیست؟

مردمی که در یک جامعه زندگی می‌کنند، اهداف، آرمان‌ها و ارزش‌های مشترکی دارند؛ اهدافی مانند رفع نیازهای اولیه، آزادی، عدالت، امنیت، عزت و پیشرفت، دفاع از مظلومان و...

وقتی مردم مطابق آرمان‌ها عمل کنند، آرمان‌ها به واقعیت تبدیل می‌شوند، ولی آیا مردم همواره مطابق آرمان‌های جامعهٔ خود عمل می‌کنند؟

انسان‌ها اغلب خدمت به همنوعان، رعایت مقررات، احترام به پدر و مادر، راستگویی و امانت‌داری را خوب و پسندیده می‌دانند و خیانت، دروغ‌گویی، ظلم، رشوه و دزدی را ناپسند و ناروا می‌شمارند. به نظر شما، آیا مردم همواره مطابق آنچه خوب می‌دانند، عمل می‌کنند یا گاهی برخی رفتارهایشان برخلاف ارزش‌ها و هنجارهایی است که از آنها طرف‌داری می‌کنند؟ ارزش‌هایی که مردم یک جامعه از آن جانب‌داری می‌کنند و رعایت آن را لازم می‌دانند اما در عمل ممکن است آن را نادیده بگیرند، «**فرهنگ آرمانی**[1]» نامیده می‌شود. آن بخش از فرهنگ که مردم به آن عمل می‌کنند، «**فرهنگ واقعی**» نام دارد.

مرز و محدودهٔ فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی بر اساس عمل مردم تغییر می‌کند. هر اندازه مردم مطابق آرمان‌ها و ارزش‌ها عمل کنند، به همان اندازه، آرمان‌ها وارد فرهنگ واقعی می‌شوند اما اگر مردم به آرمان‌ها و ارزش‌هایی که رعایت آنها در فرهنگ آرمانی لازم دانسته می‌شود عمل نکنند، فرهنگ واقعی از فرهنگ آرمانی فاصله می‌گیرد.

■ شهید بهروز مرادی (معلم هنرمند و از رزمندگان مقاومت ۴۵ روزهٔ خرمشهر) و هم‌رزمانش جلوی مسجد جامع خرمشهر

■ محل شهادت شهید رسول حیدری اولین شهید ایرانی در بوسنی و هرزگوین سال ۷۲

برنامه‌ریزان فرهنگی در هر جامعه تلاش می‌کنند که از طریق تعلیم و تربیت، زمینهٔ تحقق هرچه بیشتر فرهنگ آرمانی و ورود آن به قلمرو فرهنگ واقعی را فراهم کنند.

۱ـ آرمان‌ها و قلمرو آرمانی همان نظام معیار فرهنگ است که بسیاری کم و بیش به آن عمل می‌کنند و برخی هم آن را مراعات نمی‌کنند.

بخوانیم و بدانیم

از درس اول به یاد دارید که سخن گفتن یک کنش است ولی برخی سخنانشان را جزء اعمالشان به حساب نمی‌آورند. از این رو به پیامدهای آن توجه نمی‌کنند و به جای آنکه متعهد شوند، تنها وعده می‌دهند.

این افراد ممکن است از آرمان‌ها و ارزش‌ها سخن بگویند ولی در عمل به آنها پایبند نباشند. قرآن کریم به این افراد این‌گونه خطاب می‌کند: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا سخنی می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟ نزد خدا بسی ناپسند است سخنی بگویید که به آن عمل نمی‌کنید. خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در صفی واحد، همانند سدی مستحکم، در راه او قیام می‌کنند» (صف: ۲ و ۴).

نمونه بیاورید

در جدول زیر، سه نمونه از آرمان‌های جامعهٔ خود را بنویسید که کمابیش بیرون از فرهنگ واقعی یا درون آن قرار گرفته‌اند.

آرمان‌ها	
بیرون از فرهنگ واقعی	درون فرهنگ واقعی
ساده‌زیستی	احترام به پدر و مادر
ناپسند بودن اسراف و تبذیر	استکبارستیزی
.....	.....

منظور از فرهنگ حق و فرهنگ باطل چیست؟

واقعیت‌های هر جامعه را می‌توان بر اساس آرمان‌های آن ارزیابی کرد؛ اگر مردمی مطابق آرمان‌های خود عمل کنند، فاصله میان فرهنگ واقعی و آرمانی جامعهٔ خود را کاهش می‌دهند. ولی آیا همهٔ آرمان‌ها و ارزش‌ها درست‌اند تا واقعیات را بر اساس آنها ارزیابی کنیم؟ آیا راهی برای ارزیابی آرمان‌ها و ارزش‌ها وجود دارد؟ آیا آرمان‌ها و ارزش‌ها همواره حق‌اند؟ یا ممکن است برخی از آنها باطل باشند؟

عقایدی که مردم دربارهٔ انسان و جهان دارند، ارزش‌هایی که محترم می‌شمارند، هنجارها و سنّت‌هایی که با توجه به آنها عمل می‌کنند، سبک‌ها و شیوه‌هایی که برای زندگی انتخاب می‌کنند و تکنیک‌ها و مهارت‌هایی که به‌کار می‌گیرند، گاهی درست و گاهی نادرست‌اند.
بخش‌هایی از فرهنگ که از نظر علمی صحیح و مطابق فطرت انسان باشد، **«فرهنگ حق»** و بخش‌هایی که از نظر علمی قابل دفاع نباشد و بر اساس خرافات شکل گرفته باشد، **«فرهنگ باطل»** است.

■ تقدیس حیوانات در معابد هندوستان

■ راهبان بودایی تبتی در مراسم اخراج ارواح شیطانی از معبد که هرسال هم‌زمان با جشن سال نو برگزار می‌شود.

عقیده به توحید، وفای به عهد، عدالت، تحمل دیگران و مدارا با کسانی که از شناخت حقیقت محروم مانده‌اند، حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از حقوق انسان‌ها و مهربانی با یکدیگر از جمله عقاید و ارزش‌های حق‌اند.
شرک، ظلم، بی‌عدالتی، تجاوز به حقوق دیگران و دنیاپرستی از جمله عقاید و ارزش‌های باطل‌اند.
آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از عقاید و ارزش‌های حق و باطل را بیان کنید؟
حق یا باطل بودن هر بخش از فرهنگ، با علم متناسب با همان بخش شناخته می‌شود. علوم‌تجربی توان داوری دربارهٔ فنون و روش‌های اجرایی را دارند؛ مثلاً درست یا نادرست بودن شیوهٔ مداوای بیماران را با روش‌های تجربی می‌توان شناخت.
حق یا باطل بودن عقاید و ارزش‌ها را نمی‌توان با روش‌ها و علوم‌تجربی شناخت. عقل و وحی دو ابزار مهم شناختِ عقاید و ارزش‌ها هستند و علومی که از این دو ابزار بهره می‌گیرند، می‌توانند دربارهٔ حق یا باطل بودن فرهنگ‌های مختلف داوری کنند.

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هرکدام با روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس می‌شناسد، امّا امور غیرطبیعی، محسوس نیستند و نمی‌توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد؛ از این‌رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می‌شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی (تجربی) و شناخت عقلی، از شناخت شهودی نیز بهره می‌برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به‌دست نمی‌آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال به غم و شادی درون خود یا محبت و نفرت نسبت به دیگران پی‌می‌بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و به حس نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می‌کند.

در اوایل قرن بیستم میلادی عده‌ای در جهان غرب پیدا شدند که روش حسی و تجربی را تنها روش کسب علم دانستند و گفتند همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند. آنها با این ادعا به تدریج به این برداشت دامن زدند که فقط «علم تجربی» علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی دانستند و علوم انسانی و اجتماعی را فقط درصورتی که از روش تجربی استفاده کنند علمی تلقی کردند. این رویکرد از نیمه دوم قرن بیستم با چالش‌های متعددی مواجه شد و کم‌کم در محافل علمی از رونق افتاد. یکی از چالش‌ها، علم ریاضی بود؛ علمی که فراتر از مشاهده و تجربه است و اگر تجربه ما برخلاف اصول اولیه آن باشد، ما تجربه خودمان را نادرست می‌دانیم نه آنچه علم ریاضی می‌گوید؛ مثلاً هزار نفر با نقاله، زوایای داخلی مثلثی را اندازه بگیرند و مجموع زوایا را ۱۷۹ درجه اعلام کنند، نظر همه آنها را خطا می‌دانیم.

علوم اجتماعی همواره از حس، عقل و وحی برای شناخت حقایق و وقایع اجتماعی و تاریخی بهره می‌برد. تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی معنا دارند و از بعد معنایی و ذهنی برخوردارند ولی تمامی پدیده‌های انسانی و اجتماعی بعد محسوس و عینی ندارند تا صرفاً با روش حسی و تجربی شناخته شوند. از این‌رو این علوم وقتی از آغاز و انجام زندگی انسان با ارزش‌ها و آرمان‌های او مانند عدالت، مسئولیت، آزادگی و... سخن می‌گویند، از روش‌های عقلانی و وحیانی بهره می‌برند.

مقایسه فواید علوم انسانی و اجتماعی و علوم طبیعی

فواید علوم طبیعی	فواید علوم انسانی و اجتماعی
• شناخت طبیعت و قوانین آن • پیش‌بینی حوادث طبیعی برای پیشگیری و تسلط بر طبیعت • رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعت	• شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن • شناسایی عواملی که بر زندگی انسان و کنش‌های او تأثیر دارند یا پیش‌بینی کنش‌ها و پیامدهای آنها برای پیشگیری • شناخت فضیلت، عدالت، سعادت و راه صحیح زندگی و داوری درباره کنش‌های خوب و بد انسان‌ها • انتقاد از کنش‌های ناپسند و ظالمانه انسان‌ها • رهاکردن و آزادسازی انسان‌ها از ظلم‌ها و اسارت‌هایی که در اثر کنش‌های انسان‌ها پدید می‌آید. • نشان دادن شیوهٔ صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری

غربی‌ها در مراسم تشییع جنازهٔ نزدیکانشان اشک نمی‌ریزند؛ اندوه خود را پنهان می‌کنند و اگر گریه‌شان بگیرد، دور از چشم دیگران گریه می‌کنند اما مراسم را باشکوه برگزار می‌کنند.مرده را در تابوتی گران‌بها می‌گذارند، لباس‌های رسمی به او می‌پوشانند و دفنش می‌کنند.

برعکس، ایرانی‌ها در مراسم سوگواری بسیار گریه می‌کنند و ابداً حزن و اندوه خود را پنهان نمی‌کنند و مرده را بدون لباس‌های فاخر به خاک می‌سپارند.

غربی‌ها خیلی سرد و بی‌احساس‌اند یا ایرانی‌ها بیش از حد ضعیف و احساساتی هستند؟

گاهی ما سایر فرهنگ‌ها را در مقایسه با فرهنگ خودمان ارزیابی می‌کنیم. جامعه شناسان این کار را اشتباه می‌دانند. به‌نظر آنها هر رسم و سنتی درون فرهنگ خود، معنا و کارکردی دارد؛ بنابراین، درست و علمی نیست که ما فرهنگ دیگران را با توجه به فرهنگ خودمان نقد و ارزیابی کنیم. نظر جامعه‌شناسان تا اینجا صحیح است. اینکه ما بگوییم غربی‌ها سرد و بی احساس‌اند چون در مراسم سوگواری گریه نمی‌کنند یا آنها بگویند که ایرانی‌ها ضعیف و احساساتی‌اند چون بسیار برای مردگان خود می‌گریند، هیچ‌کدام قضاوت‌های صحیحی نیستند. اما باید توجه داشته باشیم که این بدان معنا نیست که امکان مقایسه و ارزیابی فرهنگ‌ها و داوری علمی و عقلانی دربارهٔ آنها وجود ندارد. ما می‌توانیم فرهنگ خودمان و فرهنگ‌های دیگر را بر اساس فرهنگ حق ارزیابی کنیم و میزان نزدیکی هر فرهنگی به فرهنگ حق یا دوری از آن را مشخص نماییم.

برای مثال، اگر پرخوری در فرهنگی پذیرفته و متداول است، ما به‌عنوان یک فرد بیرونی می‌توانیم ضررهای آن را گوشزد کنیم. اگر ضرب و شتم داماد و عروس در مراسم عروسی از رسوم رایج در جامعه‌ای باشد، ما می‌توانیم دربارهٔ نادرست بودن آن اظهارنظر نماییم. اگر جامعه‌ای عدالت را از یاد برده و به بی‌عدالتی عادت کرده باشد، می‌توانیم ناپسند بودن این سبک زندگی را دریابیم، نقد کنیم و خطرات آن را متذکر شویم و....

فرهنگ حق معیار ارزیابی همهٔ فرهنگ‌هاست.

■ سیاه کردن عروس و داماد پیش از عروسی در روستاهای اسکاتلند اجرا می‌شود. در این رسم بستگان و دوستان، چیزهایی را که با آنها بتوان عروس و داماد را کثیف کرد به طرفشان پرتاب می‌کنند.

■ در جشن هالووین، حیاط برخی خانه‌ها و مکان‌های عمومی با پیکره‌ها و اشیایی ترسناک مانند جادوگر، اسکلت، روح یا سنگ قبر تزیین می‌شود.

برخی حق یا باطل بودن پدیده‌ها را به خواست و عمل افراد در موقعیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های مختلف وابسته می‌دانند. آیا به راستی حق و باطل بودن پدیده‌ها به تمایلات افراد وابسته است؟ آیا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جابه‌جا و دچار تغییر می‌شوند؟

می‌دانیم فرهنگ آرمانی و فرهنگ واقعی هر جامعه‌ای تغییر می‌کند (مثلاً استقلال سیاسی در ایران پیش از انقلاب اسلامی یک آرمان بود که با انقلاب اسلامی به یک واقعیت تبدیل شد) و همچنین از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر متفاوت است. آیا حق و باطل نیز این‌گونه هستند؟ حق یا باطل بودن عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و کنش‌ها، بر اساس آگاهی یا جهل و توجه یا بی‌توجهی مردم جوامع مختلف نسبت به آنها تعیین نمی‌شود.

نژادپرستی و برتر دانستن یک قوم یا گروه خاص، پول‌پرستی و شرک از عقاید و ارزش‌های باطل‌اند و باطل بودن آنها با نوع مواجههٔ جوامع مختلف، دگرگون نمی‌شود.

■ جوانان سیاه‌پوست به طور متوسط بیش از همسالان سفیدپوست خود توسط پلیس در خیابان‌های لندن متوقف و مورد بررسی و جو قرار می‌گیرند.

■ برگزاری سالگرد جشن استقلال الجزایر. الجزایر در طول ۱۳۲ سال استعمار فرانسه، برای دستیابی به استقلال، حدود یک میلیون قربانی داد. به‌همین دلیل به سرزمین یک میلیون شهید شهرت دارد.

■ دیوار حائل بتونی در کرانهٔ باختری و نقاشی‌هایی که توسط فلسطینیان بر روی آن کشیده شده است. اسرائیل ساخت این دیوار را از سال ۲۰۰۲ آغاز کرده است.

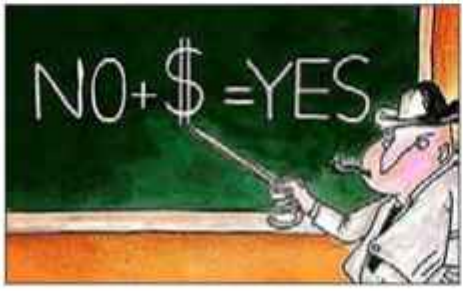

توحید، آزادی انسان‌ها از همهٔ بندها و موانعی که بر سر راه سعادت آنها وجود دارد، عدالت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و تعالی همهٔ انسان‌ها، از عقاید و ارزش‌های حق‌اند و درستی آنها با موافقت یا مخالفت آدمیان تغییر نمی‌کند.

جوامع مختلف با ایمان به حق، حقیقت را به فرهنگ آرمانی خود وارد می‌کنند و با عمل کردن براساس این عقاید و ارزش‌ها، آنها را به فرهنگ واقعی‌شان وارد می‌نمایند. اگر جوامع مختلف به حق ایمان نیاورند و مطابق با آن عمل نکنند به سوی باطل گام برمی‌دارند.

بنابراین، حقایق ثابت‌اند ولی از جهت وارد شدن به فرهنگ آرمانی و واقعی، تغییرپذیرند؛ یعنی برای جوامع امکان انحراف از حق و پذیرش باطل وجود دارد. همان‌گونه که امکان خروج از باطل و روی آوردن به حق نیز وجود دارد. جوامع می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند اما حق و باطل بر مدار گزینش آنها تغییر نمی‌کنند.

نمونه بیاورید

- **سه نمونه از آرمان‌های حق را که در اغلب یا همهٔ فرهنگ‌ها حضور دارند، نام ببرید. به نظر شما به چه دلیل این آرمان‌ها در اکثر فرهنگ‌ها حضور دارند؟**

آرمان حق				
وفای به عهد	راست‌گویی	.....	.....	.....

- **آیا می‌توانید برخی پدیده‌های باطلی را که در قلمرو آرمانی و واقعی بعضی فرهنگ‌ها وجود دارد، شناسایی کنید؟**

تکاثر (مال‌اندوزی)	قبیله‌گرایی	.....	.....

مفاهیم اساسی

فرهنگ حق

خلاصه کنید

- فرهنگ حق معیار ارزیابی همهٔ فرهنگ‌هاست.

آنچه از این درس آموختیم

درس پنجم

هویت

در مورد هویت چه می‌دانید؟

نقل است که ملّاصدرالدین می‌خواست به شهر غریبی سفر کند. همسر ملّا پیش از سفر، آویزی بر گردنش آویخت که نامش بر آن نوشته شده بود تا مبادا هویتش را فراموش کند. ملّا پس از ورود به آن شهر، شب نخست در یک کاروانسرا بیتوته کرد. خواب که بود، شوخی، آویز را از گردنش درآورد و به گردن خود آویخت. صبح روز بعد، ملّا پس از دیدن آویز در گردن آن شوخ فریاد زد: «چنین می‌نماید که تو من هستی، ولی اگر تو من هستی، پس من کیستم؟»

شاید این سردرگمی ملّا مسخره به نظر آید ولی بر مهم‌ترین مسئلهٔ بشری اشاره می‌کند که همان هویت است.

(فرهنگ و هویت، جاراز لیندولم)

افراد در موقعیت‌های گوناگون با پرسش «کیستی؟» مواجه می‌شوند یا از خودشان می‌پرسند به‌راستی «من کیستم؟». آنها در پاسخ به این پرسش خودشان را معرفی می‌کنند و ممکن است در معرفی خود به ویژگی‌هایی از این قبیل اشاره کنند: نوجوان، متولد هشتم آبان ۸۳، مؤمن، گندمگون، ورزشکار، وقت‌شناس، صبور، راستگو، ایرانی و....

آنچه در پاسخ به پرسش کیستی گفته می‌شود و با آن هر شخص از افراد دیگر متمایز می‌گردد، «هویت» فرد را تشکیل می‌دهد.

آیا هویتمان را خودمان می‌سازیم؟ ما در شکل‌گیری بعضی ویژگی‌های هویتی مانند مکان یا زمان تولد یا دختر و پسر بودن نقشی نداریم (انتسابی)؛ اما بسیاری از ویژگی‌های هویتی مانند صفات اخلاقی و روانی را خودمان شکل می‌دهیم یا در شکل‌گیری آنها نقش و سهم زیادی داریم (اکتسابی). بعضی ویژگی‌ها هستند که در به دست آوردنشان نقشی نداریم اما با تلاش می‌توانیم آنها را تغییر دهیم؛ مانند موقعیت اجتماعی که در زمان تولد از طریق خانواده به ما داده می‌شود و ما در طول زندگی، می‌توانیم آن را تغییر دهیم.

آیا هویتمان تغییر می‌کند؟ برخی از ویژگی‌های هویتی تغییر می‌کنند؛ مانند جایگاه فرد در جامعه که تابع دانایی، توانایی و دارایی اوست، ولی برخی ویژگی‌ها تغییر نمی‌کنند؛ مانند زمان و مکان تولد.

هر فردی در طول زندگی خود، تغییرات هویتی بسیاری را پشت سر می‌گذارد؛ مثلاً از نوزادی، کودکی، نوجوانی و جوانی یا از بی‌سوادی، کم سوادی، دانشمندی و فرهیختگی می‌گذرد؛ ولی خود می‌داند همان شخصی است که همهٔ آن تغییرات را سپری کرده است.

آیا هویت ما صرفاً اجتماعی است؟ فرد بدون ارتباط با دیگران یا عضویت در گروه‌های اجتماعی نمی‌تواند برخی ویژگی‌ها را داشته باشد؛ مثلاً ما فقط با عضویت در جامعهٔ ایران، ایرانی محسوب می‌شویم؛ درحالی‌که زرنگی یا تنبلی و صبوری یا زودرنجی ویژگی‌های فردی ما هستند.

بخوانیم و بدانیم

گفته‌اند یوسف را دو چیز بود بر کمال؛ یکی حسن خلقت (جمال و زیبایی) و دیگری حسن سیرت (علم و معرفت).

و خداوند تقدیر چنان کرد که جمال وی سبب بلا گشت و علم وی سبب نجات، تا عالمیان بدانند که علم نیکو به از صورت نیکو.

(کشف‌الاسرار و عدة الابرار، رشیدالدین میبدی)

هویت اجتماعی

هویت فردی

نمونه بیاورید

در جدول زیر چهار ویژگی هویتی خود را بنویسید و اکتسابی یا انتسابی بودن، فردی یا اجتماعی بودن و ثابت یا متغیر بودن آنها را تعیین کنید.

ویژگی‌های من	اکتسابی	انتسابی	فردی	اجتماعی	ثابت	متغیر
راستگو	✓		✓			✓
...						
...						
...						

هویت فردی و اجتماعی چه نسبتی با هم دارند؟

هویت دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. هویت فردی نیز شامل دو بعد جسمانی و نفسانی است، بنابراین، هویت انسان سه بعد دارد:

- بُعد جسمانی (بدن)
- بُعد نفسانی (نفس و ویژگی‌های اخلاقی و روانی)
- بُعد اجتماعی (نقش‌ها و عضویت فرد در جامعه).

آیا می‌توانید برای هرکدام از این ابعاد، نمونه بیاورید؟ آیا میان این سه بُعد ارتباطی وجود دارد؟

با توجه به متن، تصویری مناسب با این قسمت تهیه نمایید.

■ زهرا نعمتی، دارنده مدال طلا در مسابقات جهانی پارالمپیک و نخستین زن ورزشکار ایرانی که موفق شد در کنار ورزشکاران غیرمعلول، جواز رقابت در المپیک را نیز کسب کند.

سه بُعد هویت ما از یکدیگر جدا نیستند بلکه با هم تعامل یا ارتباط متقابل و دو سویه دارند و بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ بدن ما مجرای ارتباط ما با طبیعت و بخشی از آن محسوب می‌شود. نقش و عضویت اجتماعی ما نیز مجرای ارتباط ما با جامعه و بخشی از آن به حساب می‌آید. آیا می‌توانید بگویید هرکدام از مثال‌های زیر نشانگر کدام‌یک از این رابطه‌هاست؟

- ترشح بیش از اندازهٔ غدهٔ تیروئید موجب عصبانی شدن انسان‌ها می‌شود.
- برخی بیماری‌های جسمانی به‌کمک قوای روانی درمان می‌شوند.[1]
- یک انسان با تقوا، جهانی را تغییر می‌دهد. (امام خمینی رحمه‌الله)
- جوان مؤمن امیدوار پرتلاش پرانگیزهٔ دانش دوست، موفق خواهد شد.
- شرافت و وقار و سلحشوری از ویژگی‌های صحرانشینان است.[2]
- جهان اجتماعی مانع شکوفایی برخی اخلاقیات می‌شود.

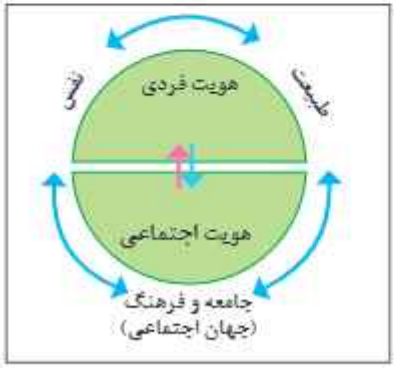

تا اینجا با ابعاد مختلف هویت و تعامل آنها با یکدیگر آشنا شدید. ولی پرسش این است که هویت فردی و اجتماعی ما چگونه با یکدیگر سازگار می‌شوند؟ آیا هر نوع هویت اجتماعی با هر نوع هویت فردی سازگار است؟

۱ـ در هر کاری که ارادهٔ آدمی برای انجام آن قوی باشد، بدن دچار ضعف و ناتوانی نمی‌شود. (امام صادق علیه‌السلام)
۲ـ ابن خلدون در کتاب «مقدمه»، در بیان تفاوت میان شهرنشینان و بادیه‌نشینان، چنین صفاتی را برای صحرانشینان برشمرده است.

هویت هر جامعه‌ای، براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن جامعه شکل می‌گیرد و قواعد، هنجارها و نمادهای آن متناسب با عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌ها سامان می‌یابند. بنابراین، هویت اجتماعی هر فرد، درون یک جامعه و بر اساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد. در جامعهٔ قبیله‌ای، هویت اجتماعی افراد اغلب براساس جایگاه آنها در قبیله مشخص می‌شود. در جامعهٔ سرمایه‌داری، هویت اجتماعی افراد بیشتر به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. در جامعهٔ دینی، هویت اجتماعی افراد بر اساس عقاید و ارزش‌هایی تعیین می‌شود که آن دین محترم می‌شمارد؛ مثلاً اسلام هویت افراد را با تقوا، عدالت و علم ارزیابی می‌کند.

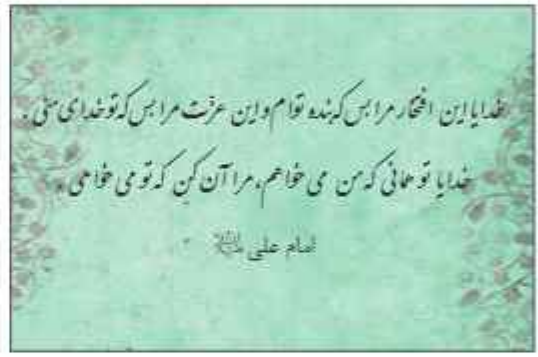

هر جامعه‌ای با توجه به عقاید و ارزش‌هایش با نوع خاصی از هویت اخلاقی و روانی افراد سازگار است و زمینهٔ پیدایش و رشد همان هویت را فراهم می‌آورد و امکان پیدایش و رشد دیگر انواع را تضعیف می‌کند. برای مثال، فرهنگ متجدد با بعضی ویژگی‌های اخلاقی سازگار است که در ارتباط با آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی آن شکل می‌گیرند، مانند فردگرایی، دم‌غنیمت‌شماری، فرصت‌طلبی، انضباط، تجمّل‌گرایی، تبرّج، رفاه‌طلبی و مال‌اندوزی یا بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی که براساس ارزش‌های معنوی و الهی انسان شکل گرفته باشند، مانند قناعت، حیا، بندگی خدا، تقوا، خوف و رجای الهی، شکر و رضای الهی و توکل سازگار نیست.

هر جامعه‌ای براساس هویت خود، با طبیعت و بدن آدمی تعامل می‌کند. نگاه دنیوی فرهنگ جدید غرب و ارزش‌های آن به‌گونه‌ای است که هر دخل و تصرفی را در طبیعت و بدن مجاز می‌داند. انسان در این فرهنگ هر نوع تصرفی را برای بهره‌برداری بیشتر از طبیعت انجام می‌دهد. در فرهنگ اسلام انسان به عنوان خلیفهٔ خداوند وظیفهٔ عمران و آبادانی طبیعت را به‌عهده دارد؛ یعنی انسان حق ندارد برخلاف ارادهٔ حکیمانهٔ الهی در جهان طبیعت و بدن خود تصرفاتی انجام دهد.

■ مسابقات سالانه «مستراللمپیا» یکی از مهم‌ترین مسابقات نمایشی است که با فیگور گرفتن روی استیج (صحنه نمایش) انجام می‌پذیرد. از پایان قرن ۱۹ جریان فکری با رویکردی اساطیری شکل گرفت که زیبایی، تناسب و پرورش‌یافتگی و بدن عاملی برای ستایش و تمجید قلمداد می‌شد.

■ برگزاری مسابقات بین‌المللی زیبایی و نمایشگاه‌های مُد، از توجه و تمرکز فرهنگ غرب بر بُعد جسمانی هویت حکایت می‌کند.

مقایسه کنید

به کمک دبیر خود، اخلاق ورزشکاران فرهنگ اسلام (اخلاق پهلوانی) را با اخلاق ورزشکاران فرهنگ متجدد (اخلاق قهرمانی) مقایسه کنید.

■ تندیس نیم‌تنه غلامرضا تختی در موزهٔ «سامه» امریکا که در آن تختی با یک دست نشان داده شده تا یادآور مبارزه جوانمردانه او باشد. وقتی تختی متوجه شد پای مدوید آسیب‌دیده، هرگز به سمت پای مصدوم حریف نرفت.

■ پهن کردن سجاده بر روی تشک کشتی و به جا آوردن نماز شکر پس از قهرمانی از جمله مراسم آیینی کشتی قهرمانی است.

ببینیم و بدانیم

مجموعهٔ مستند «بر سکوی افتخار» روایت زندگی شهدای ورزشکار است. برای آشنایی بیشتر با اخلاق پهلوانی، قسمتی از این مجموعه باعنوان «پهلوان کوچولو» را که در آن شهید سعید طوقانی معرفی شده، ببینید.

خودآگاهی یا ناخودآگاهی؟

گفت چون سقراط در نزع اوفتاد[1]
بود شاگردیش، گفت ای اوستاد
چون کفن سازیم تن پاکت کنیم
در کدامین جای در خاکت کنیم
گفت گر تو باز یابیم ای غلام
دفن کن هر جا که خواهی والسلام
من چو خود را زنده در عمری دراز
پی نبردم، مرده کی یابی تو باز
(عطار)

به نظر شما افراد و گروه‌ها چقدر خود را می‌شناسند؟ شما چقدر خود را می‌شناسید؟ برای شناخت بیشتر و بهتر خود چه راه‌هایی وجود دارد؟

بخشی از هویت، آگاهانه است؛ یعنی خود ما آن را می‌شناسیم یا دیگران به آن پی می‌برند و آن را برایمان بازگو می‌کنند امّا بخش دیگر برای ما پنهان است و آن را نمی‌شناسیم.
ما معمولاً علاقه‌مندیم که خود را به درستی بشناسیم. به همین سبب، گاهی دربارهٔ ویژگی‌های خود که به آنها واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم و می‌اندیشیم. گاهی برای شناخت بیشتر و بهتر خود از دیگران کمک می‌گیریم؛ مثلاً از والدین و دوستان دربارهٔ ضعف‌ها و قوت‌هایمان سؤال می‌کنیم. نزد مشاور، روان‌شناس و روان‌کاو می‌رویم و از آنها مشاوره می‌گیریم. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان نیز دربارهٔ ابعاد اجتماعی هویت انسان بحث می‌کنند و نظراتی ارائه می‌دهند. فیلسوفان هم بحث‌های گسترده‌ای دربارهٔ هویت دارند که می‌تواند به شناخت ما از خودمان کمک کند.
پیامبران و اولیای الهی نیز از دیرباز دربارهٔ بُعد الهی و فطری هویت فردی و اجتماعی انسان‌ها و همچنین غفلت و فراموشی آنها از خویشتن سخن گفته‌اند.

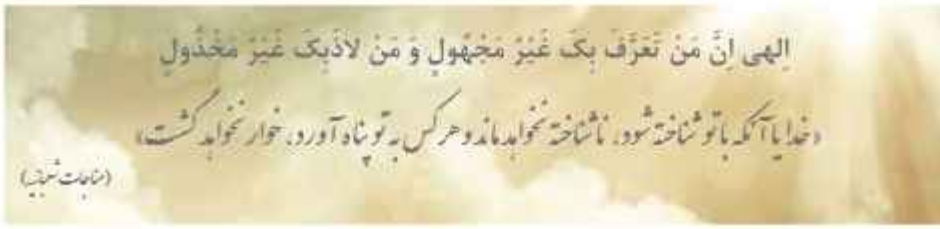

۱ـ در حال جان‌کندن و مردن بود.

ما تردیدی نداریم که گاه در شناخت ویژگی‌های هویتی خود و دیگران دچار اشتباه می‌شویم. وجود نظرات متفاوت دربارهٔ هویت، نشانهٔ این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

مباحثه کنید

با توجه به مباحث گفته شده دربارهٔ تعامل و تناسب ابعاد مختلف هویت فردی و اجتماعی، پدیده‌های زیر را تشریح کنید.

- رواج شدید عمل‌های زیبایی در ایران؛ آیا تمامی عمل‌های زیبایی برخلاف ارزش‌ها و هنجارهای دینی جامعهٔ ایران است؟ آیا عمل‌ها، بسط ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگ غرب نیست؟
- رواج ارزش‌های دنیوی از قبیل فردگرایی، تجمل‌گرایی، مال‌اندوزی و... در کشورهای اسلامی
- هزینه پنداشتن فرزندان و کاهش موالید در کشور
- آسیب‌ها و مسائل زیست‌محیطی تولید شده به‌وسیله مردم و سازمان‌های عمومی و دولتی در ایران
- خروج آمریکا از پیمان پاریس (کاستن از انتشار گازهای گلخانه‌ای)
- حمایت مردم و دولت ایران از مظلومان جهان
- وقوع جنبش‌های زیست‌محیطی در کشورهای غربی و تصویب قوانین سخت‌گیرانه در دفاع از محیط زیست و پدید آمدن تکنولوژی‌های سبز و صدور کارخانه‌ها و صنایع سنگین این کشورها به سایر جوامع
- حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی و برخی از دولت‌های اسلامی از رژیم اشغالگر قدس

بخوانیم و پاسخ دهیم

در مقابلِ هویت اسلامی

شاه ایران، با اینکه پادشاه یک کشور اسلامی بود و خود را مسلمان معرفی می‌کرد، امّا با کشورهایی همکاری می‌کرد که با مسلمانان دشمنی دیرینه داشتند و هویت اسلامی سرزمین فلسطین و بیت‌المقدس و مسجدالاقصی را نفی می‌کردند.

به‌طور مثال، رژیم صهیونیستی که سرزمین فلسطین را اشغال کرد و صدهاهزار فلسطینی را از خانه‌شان آواره ساخت و بسیاری از زنان و مردان و کودکان را کشت، رابطه‌ای صمیمی و مخفیانه با محمدرضاشاه داشت. کمک‌های محمدرضا به این رژیم چنان مؤثر بود که سرنگونی وی ضربه

سنگینی را بر رژیم صهیونیستی وارد کرد. گزارش خیلی محرمانه کارشناس آمریکایی که برای وزارت خارجه خودشان تهیه شده، بیانگر این حقیقت است:

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۶ ژانویه ۱۹۷۹ (۱۶ دی ۱۳۵۷)

سفارت آمریکا، تل آویو به: وزارت خارجه، واشنگتن

موضوع: اسرائیل و تحولات ایران

۱ـ خلاصه: اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناکی سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. انتظار می‌رود که انقراض رژیم شاه تعصب گرایی اسلامی نوظهور را در خاورمیانه تقویت نماید که به‌طور مؤثر بر فروش نفت به اسرائیل تأثیر می‌گذارد، هشتاد هزار یهودی ایرانی را در معرض خطر قرار می‌دهد و سپس ثبات منطقه‌ای را که درپی ریزی جریان صلح خاورمیانه در سال‌های آتی عامل مهمی می‌باشد، مورد تهدید قرار خواهد داد. فقط تعداد معدودی از افراد تردید دارند که دولت بعدی تهران رابطه اسرائیل با ایران را قطع نماید.

۲ـ درست مثل همه ما، اسرائیلی‌ها با حالت بهت‌زده و هراسناک سیر فروریختگی ایران به اعماق را نظاره کرده‌اند. آنها معتقدند رژیم ثابت قدم، وفادار، دوست و طرفدار غرب شاه، به‌صورت اصلاح‌ناپذیری از هم پاشیده شده و در انتظار جانشین پیش‌بینی شده‌اش می‌باشد. در برخی افراد این شبهه وجود دارد که دولت بعدی تهران به رهبری هر که باشد به اکثر و اگر نه تمام جنبه‌های رابطه نزدیک و از روی دقت ایجاد شده بین ایران و اسرائیل، پایان می‌بخشد. از نظر برخی تحلیلگران اسرائیلی فقط یک کودتای نظامی به اسرائیل توانایی می‌دهد تا حداقل مقداری از روابط خود را با ایران نجات دهد.

۳ـ برای اسرائیل یک رابطه نزدیک با ایران از کیفیتی عالی و بنیادی و همچنین اهمیتی سمبلیک برخوردار می‌باشد. همکاری نظامی و اطلاعاتی پراهمیتی در خلال سالیان دراز بین دو کشور ایجاد شد. شرکت‌های اسرائیلی در پروژه‌های عمرانی و ساختمانی ایران شرکت داشته‌اند که با احتساب صادرات، سالیانه ۳۰۰ میلیون دلار به‌دست آورده‌اند. از نظر سمبلیک، اسرائیلی‌ها به رابطه نزدیکشان با ایران مسلمان به‌عنوان نشانه‌ای دال بر اینکه کشور یهودی در خاورمیانه از نظر همه مطرود محسوب نمی‌شود، نگریسته‌اند. هرچند ایران روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار نمود ولی دفاتر رابط به‌عنوان هیئت‌های نمایندگی دیپلماتیک در همه امور عمل کردند، منتها به‌صورت بی نام.

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، صفحات ۲۵ و ۲۶، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال

۱ـ چرا اسرائیلی‌ها از انقلاب اسلامی ایران مبهوت شده بودند؟

۲ـ اسرائیل از ارتباطش با ایران، در دورهٔ شاه، چه استفاده‌هایی می‌کرد؟

۳ـ چرا در این سند، اسلام فعال و عدالت‌خواه و مخالف آمریکا و اسرائیل «تعصب‌گرایی اسلامی نوظهور» معرفی می‌شود؟

مفاهیم اساسی

هویت:

خلاصه کنید

- ابعاد متمایز هویت در تعامل با یکدیگر، متناسب می‌شوند.

آنچه از این درس آموختیم

درس ششم

بازتولید هویت اجتماعی[1]

هویت اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد؟

در یک کندوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی[2] وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟

انسان برخلاف موجودات دیگر، به‌صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی برعهدهٔ اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

به‌نظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی‌می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

۱ـ به معنای انتقال هویت از نسلی به نسل دیگر است به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

۲ـ غریزه، کششی درونی در موجود زنده است که آن را به انجام دادن رفتارهای معینی وا می‌دارد؛ به این معنا که موجود زنده از بدو تولد معلومات و مهارت‌هایی غیراکتسابی دارد که قابلیت دست‌کاری و تغییر چندانی ندارد. از این‌رو خلاقیت و تنوعی در شیوهٔ زندگی آنها به‌وجود نمی‌آید.

هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که نسل‌های قبل از او آن را ساخته‌اند. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به‌عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم، عقاید، ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزد، شیوهٔ زندگی در جامعه را فرامی‌گیرد و به تدریج، با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود.

فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه‌ای که در آن متولّد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه‌های هم‌سالان و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، «**جامعه‌پذیری**» می‌گویند.

■ خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل آشنایی افراد با جامعه هستند.

فرایند جامعه‌پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به‌طور کامل جامعه‌پذیر نشوند. در آن صورت جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟

ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جامعه برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند و همواره افرادی هستند که از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سرباز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند، نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهایی مخالف انجام می‌دهند.

به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، «**کژروی اجتماعی**» می‌گویند. آیا می‌توانید چند نمونه کژروی اجتماعی را بیان کنید؟

هر جامعه‌ای علاوه‌بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری از کژروی‌های اجتماعی و کنترل آنها، روش‌های «**تبلیغ و اقناع**»، «**تشویق و پاداش**» و«**تنبیه و مجازات**» را به‌کار می‌گیرد؛ یعنی می‌کوشد تا از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند، به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و کسانی را که دچار کژروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، «**کنترل اجتماعی**» می‌گویند.

■ روز بزرگداشت یاد سربازان و کشته‌شدگان جنگ در فرانسه

■ غبارروبی، عطرافشانی و گلباران مزار شهدا

■ استفاده از دوربین‌های نظارتی در چین برای جلوگیری از تقلب. در این کشور، تقلب مجازات زندان به دنبال دارد.

■ هر جامعه‌ای به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و بدین طریق دیگران را هم ترغیب می‌کند که این عقاید و ارزش‌ها را بپذیرند.

جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

بخوانیم و بدانیم

امر به معروف و نهی از منکر در متن زندگی اجتماعی

در صدر اسلام، مسلمانان هنگام احوال‌پرسی و خداحافظی، سورهٔ عصر را تلاوت و این گونه یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. ابتدا یکی از افراد بخشی از سوره را می‌خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می‌رساند.

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

قسم به عصر، که آدمی به راستی در زیان است، مگر آنان که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.

(عبدالرحمن سیوطی، الدّرّ المنثور فی التفسیر بالمأثور)

گفت‌وگو کنید

همواره در برخی از مشاغل و اصناف، عده‌ای از افراد هستند که به‌طور کامل و موفق جامعه‌پذیر نمی‌شوند و برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل می‌کنند. کژروی‌های ممکن در برخی از مشاغل و اصناف را نام ببرید و در مورد راه‌های پیشگیری و کنترل آنها باهم گفت‌وگو کنید.

هویت اجتماعی چگونه تغییر می‌کند؟

آموختید که هویت اجتماعی یک فرد ممکن است در طول زندگی او تغییر کند. کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است؛ یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی را تغییر می‌دهد. به‌نظر شما، این تغییرات موقعیتی چه انواعی می‌تواند داشته باشد؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به‌صورت انفعالی (خودشان در آن نقشی ندارند) در محیط خانواده و... می‌پذیرند و به تدریج با فعالیت‌هایشان هویت اکتسابی خود را به‌دست می‌آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

به جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر **«تحرک اجتماعی»** می‌گویند.

تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.

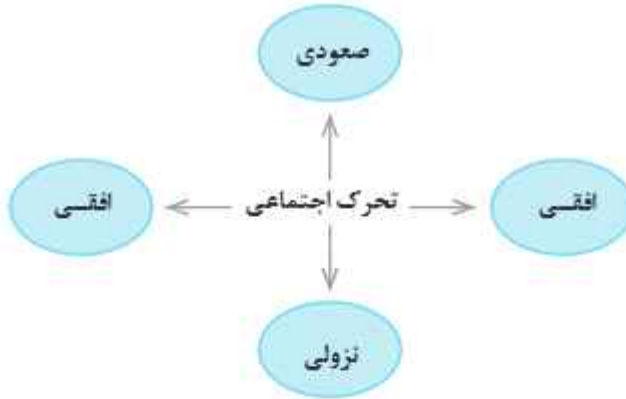

کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیرکل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.

مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است.

اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد امّا شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد؛ مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی مثال‌های دیگری بزنید؟

در همهٔ کشورها رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه جا یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در بعضی از کشورها کم‌اهمیت‌ترند. علاوه براین، باید به‌یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل؛ یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل؛ یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد.

بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای

حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می‌کردند. از جملهٔ آنها «فتوت‌نامهٔ بنّایان» بود که برخی از عبارت‌های آن به این شرح است:
اگر پرسند که چند اصل است، بنّایی را، بگو که پنج اصل است. اوّل با طهارت بودن، دویم بر جادهٔ راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.
اگر پرسند که چند حکم باشد بنّایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، باسخاوت و خیّر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و... .
برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می‌توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلّمان و ... را مطالعه کنید.

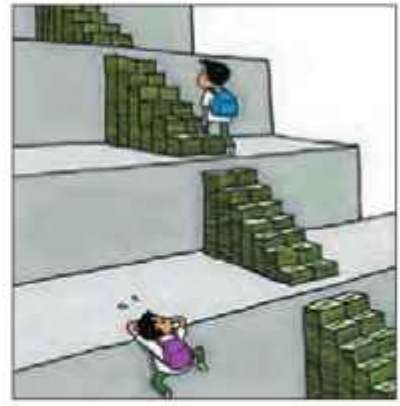

■ این کارگران کارخانهٔ آجرپزی در ایالت بیهار هند در کاست نجس‌ها به‌دنیا آمده‌اند. وظایف معین و مشخصی توسط جامعه برعهده آنها گذاشته می‌شود بی آنکه از فرصت‌های تحرکی که نظام‌های طبقاتی به افراد می‌دهند، برخوردار باشند.

به نظر شما، آیا اعضای یک جامعه می‌توانند هر نوع هویت اجتماعی را کسب کنند؟ فرصت‌های پیش‌روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود، برخی تحرک‌های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند؛ برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟

■ قانون ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس فرانسه، فرصت تحصیل و اشتغال را از زنان مسلمان باحجاب سلب می‌کند و مغایر شعار معروف انقلاب فرانسه «آزادی، برابری و برادری» است.

■ طرف‌داران تبعیض نژادی در قرن بیستم با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» خواستار جدایی نژادی در مدارس شدند.

مثلاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد.

جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت و اولویت می‌دهد، تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند، ممکن می‌سازد.

یک جامعهٔ غیردینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازهٔ بروز و ظهور اجتماعی نمی‌دهد. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران باحجاب در برخی جوامع غربی اشاره کرد.

در یک جامعهٔ دینی و معنوی نیز هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جامعهٔ سرمایه‌داری، مالکیت ثروت همراه با شغل از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل، امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.

در اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلّالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌ها را تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت.

انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرّب یا سازندهٔ

این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمّت می‌کند؛ زیرا مخرّب انسان‌اند.
اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

گفت‌وگو کنید

تغییرات هویتی تا چه زمانی مورد تأیید و تشویق جامعه قرار می‌گیرند و از چه زمانی با مخالفت جامعه و مجازات‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند؟

مفاهیم اساسی

تحرک اجتماعی:

خلاصه کنید

- فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی در جوامع مختلف، یکسان نیست.

آنچه از این درس آموختیم

درس هفتم

تحولات هویتی جامعه

تحولات هویتی جامعه چگونه است؟

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست؛ برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجهٔ عضویتِ ما در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی آن جامعه یاد می‌شود. هویت فرهنگی جامعه چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟ هویت فرهنگی جامعه چگونه متحول می‌شود؟

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد؛ یعنی، هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را بپذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

هویت فرهنگی جامعه، گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشند، مقاومت می‌کند.

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

آموختید که افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتد و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود. اما همیشه این‌گونه نیست. گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به‌دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. اگر این وضعیت یعنی شیوهٔ ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند. در نتیجهٔ تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هایش دفاع کند و آنها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد، در این صورت هویت آن متحول می‌شود.[1]

به‌نظر شما، تحول فرهنگی مثبت است یا منفی؟ آیا راهی برای ارزیابی تحولات فرهنگی وجود دارد؟

۱ـ این مراحل در جامعه‌شناسی به ترتیب تعارض فرهنگی، تزلزل فرهنگی، بحران هویت فرهنگی و تحول فرهنگی نامیده می‌شوند.

تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به‌سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعهٔ جاهلی به جامعهٔ نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعهٔ نبوی به جامعهٔ اموی، تحول فرهنگی منفی است.

آیا می‌دانید چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل بروز آنها چیست؟

علل تحولات فرهنگی به دو دستهٔ درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفیِ افراد جامعه مربوط می‌شود، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در فرهنگِ جامعه باز می‌گردد. برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعه توان پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان‌ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می‌دهد و گرفتار یأس و ناامیدی می‌شود. این کاستی‌ها و بن‌بست‌ها، متفکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ جامعه و بنیان‌های عقیدتی و ارزشی آن فرا می‌خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می‌کند.

■ برخی فرهنگ‌ها، نیازهای جسمی انسان را نادیده می‌گیرند.

علت بیرونی تحولات فرهنگی، روبه‌رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، امّا آیا هر ارتباطی میان جوامع به تحول فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است. این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. گاهی روابط در محدودهٔ نمادها، هنجارها و سبک‌های زندگی و گاهی در سطح عقاید و ارزش‌های اجتماعی است. گاهی ارتباط میان جوامع، زمینهٔ گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاهی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود. به‌نظر شما، چه شکلی از ارتباط میان جوامع، تحولات فرهنگی را به‌دنبال می‌آورد؟

اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدودهٔ هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد. جوامع اسلامی

در سده‌های نخستین رویارویی با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند و به همین سبب، عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند. مثلاً به‌دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دانش‌ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشرکانهٔ این دو فرهنگ را نپذیرفتند؛ مثلاً آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن را رها کردند.

■ متن سوگندنامهٔ بقراط، پزشک یونانی که دانش‌آموختگان رشتهٔ پزشکی، متعهد می‌شوند به آن وفادار باشند.

■ الهه‌های یونانی، زئوس، آتنا و... در یک اثر نقاشی که داستان تولد آتنا، خدای نگهبان آتن را روایت می‌کند.

اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود.

اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش‌های جامعهٔ دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می‌شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.

■ نماز عید قربان در جزیرهٔ یوگیاکارتای اندونزی در جنوب شرق آسیا؛ مسلمانان جنوب شرق آسیا از طریق بازرگانان مسلمان با فرهنگ اسلامی آشنا شدند.

■ مدرسهٔ قراویین در شهر فاس کشور مراکش در شمال قارهٔ آفریقا؛ قدیمی‌ترین دانشگاه جهان که مدرک دانشگاهی اعطا می‌کرده است. گفته می‌شود که ابن عربی و ابن خلدون از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

اما ممکن است یک جامعه در مواجههٔ با جامعهٔ دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به‌دست آورد؛ بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعهٔ مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود، مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام بپیوندند، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطا به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.

■ جمهوری‌خواهان لائیک فرانسوی در سال ۱۹۰۵ م قانونی را به تصویب مجلس ملّی فرانسه رساندند که براساس آن دین از آخرین عرصه‌های حضور اجتماعی خود حذف شد.

■ نمونه‌ای از کتاب‌های منتشر شده ابن عربی در غرب

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به‌طور فعّال و خلّاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبه‌رو شود. امّا اگر اعضای آن، مبهوت و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعّال و خلّاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدهند، جامعهٔ آنها دچار **«خودباختگی فرهنگی»** می‌شود و در این صورت، عناصر فرهنگی جامعهٔ دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد. چنین جامعه‌ای به روش تقلیدی عمل می‌کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد؛ بنابراین، نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعهٔ دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده.

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را **«غرب زدگی»** می‌نامند.

■ اقدامات آتاتورک در ترکیه: کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، پخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟

معلمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعهٔ جغرافیا تشویق کند، می گفت: «اگر می خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یا در مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بیابیم؟ به تعبیر امام علی ﷺ: «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود».

همهٔ این حالت‌های گم‌شدگی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جوامع نیز ممکن است. جوامع چگونه از خود بیگانه می‌شوند؟

در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به‌کار می‌رود، اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود؛ به این وضعیت از خودبیگانگی می گویند. نه تنها افراد، بلکه جوامع نیز ممکن است دچار ازخودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود؛ به دلیل آنکه هویت جوامع را فرهنگ آنها تعیین می‌کند. از خودبیگانگی فرهنگی چه انواعی دارد؟

از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

- اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار **«از خودبیگانگی تاریخی»** شده است. جامعهٔ خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعهٔ دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.
- اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار **«از خودبیگانگی حقیقی(فطری)»** شده است.[1]

فرهنگ‌هایی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت صحیح از عالَم و آدم برسند. در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که این فرهنگ‌ها از انسان ارائه می‌دهند، نه خود حقیقت بلکه سرابی از حقیقت است؛ به همین سبب، آدمی در چنین جامعه‌ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی‌رسد بلکه به اضطراب و

۱ـ درصورتی که اعضای یک جامعه، واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعهٔ خود را فراموش نکنند و به آن احساس تعلق داشته باشند، آن جامعه دارای «هویت تاریخی» است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن جامعه مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی و فطری» است.

فطرت، مجموعه بینش‌ها و گرایش‌هایی چون حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در آفرینش انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می کند. خداوند انسان را بر فطرت خویش آفریده است. فطرت آدمی و شکوفایی آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن نیز وجود دارد، ولی به‌طور کامل سرکوب و نابود نمی گردد.

تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و طغیان برمی‌دارد.
ازنظر قرآن کریم، انسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد. فراموش کردن خداوند سبب می‌شود که انسان خود را نیز فراموش کند.

«ولا تکونوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم»
همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند، پس خداوند نیز آنها را از یاد خودشان برد. (حشر: ۱۹)

بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را نه‌تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.

■ در تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۴ خورشیدی، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا، گاه‌شماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این مصوبه مبدأ تقویم خورشیدی از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج‌گذاری کوروش تغییر یافت.

■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتذال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتم اگر چنین نمایشی در شهر منچستر اجرا می‌شد، کارگردانان و هنرپیشگان جان سالم به‌در نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.(خاطرات دو سفیر، ویلیام سولیوان و سر آنتونی پارسونز)

بخوانیم و پاسخ دهیم

خودباختگی پهلوی دوم

قانون کاپیتولاسیون (به معنای مصونیت همه اتباع امریکایی حاضر در ایران از رسیدگی قضایی و واگذاری این حق به نماینده حقوقی امریکا بود، در حالی که ایرانیان ساکن آمریکا به هیچ‌وجه از چنین حقی برخوردار نبودند.) که تصویب آن با پشتیبانی محکم شاه صورت گرفت. این قانون کاملاً در تعارض با استقلال و هویت ایرانی بود. در زمان تصویب، سفیر آمریکا که خوشحال به‌نظر می‌رسید، به ملاقات شاه می‌رود. سند زیر گزارش خیلی محرمانه سفارت از این ملاقات است:

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۴ (۲۶ شهریور ۱۳۴۳)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

یادداشت برای ضبط در پرونده

شاه در حین ملاقات با سفیر در تاریخ ۱۶ سپتامبر، به نقل از ارسنجانی* گفت لایحه‌ای در مجلس وجود دارد که پرسنل آمریکایی را از کاپیتولاسیون برخوردار خواهد ساخت. ارسنجانی به شاه گفته بود که اگر این قانون توسط مجلسین تصویب شود، شاه تاج و تخت سلطنت را از دست خواهد داد. سفیر فوراً سؤال کرد که آیا این موضوع در شاه ایجاد رعب و وحشت کرده است و شاه در پاسخ گفت: نه به هیچ وجه.

سرلشکر اکهارت

ج. ا. آرمیتاژ

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد ۷، سند شماره ۸، صفحه ۶۰۷، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال:

۱ـ چرا ارسنجانی گفت اگر این قانون تصویب شود، شاه حکومتش را از دست خواهد داد؟

۲ـ چرا شاه می‌خواهد به سفیر آمریکا نشان دهد با اینکه تصویب این قانون خطرهایی دارد، ولی او حاضر به انجام آن است؟

* حسن ارسنجانی از دولتمردان دوره پهلوی دوم بود که مسئولیت وزارت کشاورزی (۱۳۳۹ ـ ۱۳۴۱) و سفارت ایران در ایتالیا (۱۳۴۲ ـ ۱۳۴۳)، را عهده‌دار بود.

هم‌اندیشی کنید

از خودبیگانگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جامعه‌ای به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خود بیگانه نباشد ولی در معنای دیگر از خود بیگانه باشد؟

مفاهیم اساسی

غرب‌زدگی:

خلاصه کنید

- برخی جوامع اسلامی به از خود بیگانگی تاریخی دچار هستند در مقابل جوامع غربی از خود بیگانگی فطری دارند.

آنچه از این درس آموختیم

درس هشتم

بعد فرهنگی هویت ایران

هویت ایرانی در گذر زمان چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خود را با ویژگی‌هایی مانند نام، سن، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت‌ها، علایق، هنرها، دانش، خُلق، ایمان و اعتقاد می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند.

گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها و امت‌ها نیز خود را با ویژگی‌هایی همچون سرزمین، جمعیت، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند.

ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

ندانی چو ایران نشست من است — جهان سر به سر زیر دست من است
هنر نزد ایرانیان است و بس — ندادند شیر ژیان را به کس
همه یکدلان‌اند یزدان‌شناس — به نیکی ندارند از بد هراس
دریغ است ایران که ویران شود — کنام پلنگان و شیران شود
چو ایران نباشد تن من مباد — بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه روی یکسر به جنگ آوریم — جهان بر بدادیش، تنگ آوریم
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم — از آن به که کشور به دشمن دهیم
اگر کُشت خواهد تو را روزگار — چه نیکوتر از مرگ در کارزار

فردوسی در این ابیات چه تصویری از هویت ایرانی ارائه می‌کند؟ (فردوسی)

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامهٔ فردوسی می‌توان دید.

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های زرتشتی که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند و بر این اساس، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

فارسی دَری از دیرباز به‌عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به‌دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدودهٔ زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام نیز مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام، از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیرهٔ بالکان، گسترش یافت. فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگر حکیمان و شاعران ایرانی خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

ما باید برای رواج زبان فارسی در دنیا و گسترش جغرافیایی آن تلاش کنیم تا این زبان در موضع قدرت قرار بگیرد و بتواند بخش عظیمی از مدنیت گذشتهٔ عالم را که با خود به همراه دارد، به دنیا ارائه دهد.

ملت ما باید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم برای رسیدن به قله‌های علم دست به دست شوند، مجبور باشند زبان فارسی یاد بگیرند. برای پنجاه سال آینده برنامه ریزی کنید و هدف را این قرار بدهید که کشور شما یکی از مراجع عمده و درجه اول علمی دنیا بشود؛ به طوری که اگر کسی خواست با تازه‌های دانش آشنا شود، مجبور باشد زبان ملی شما را یاد بگیرد.

۱۳۹۰

جوامع اسلامی، از جمله ایران، در طول تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. جهان اسلام چگونه با این هجمه‌ها مقابله کرد؟ مسلمانان در سده‌های مختلف، یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، مهاجمان را دفع کردند و یا مانند آنچه در حملهٔ مغول رخ داد، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند. امّا مواجههٔ فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربهٔ جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.

■ غازان‌خان در حال قرائت قرآن. او هفتمین ایلخان از سلسله ایلخانیان ایران بود که به اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.

■ به دستور غازان‌خان شهادتین (لا اله الاالله، محمدرسول‌الله) بر دوسوی سکه‌ها ضرب شد.

بخوانیم و بدانیم

مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخارآمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتوای غنی خود ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیفته خود ساخته است و ملت ایران به حکم روح حقیقت‌خواه، بی‌تعصب و فرهنگ‌دوست خود، بیش از هر ملت دیگری در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از پایه‌های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تمدن ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی‌ترین شکلش به ایرانی و غیرایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرک و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دورهٔ اسلامی نبوغ فکری و علمی خود را در اعلی درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته‌های قرائت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فقاهت، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق، احساس، هنر و فن از سر آمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سربازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایانی کرده‌اند؛ خدماتی از روی صمیمیت، اخلاص و ایمان. ایرانیان شریعت اسلام را به کشمیر، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس بردند. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کرده‌اند. زبان فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است.

(خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری)

در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعهٔ ایران رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان[1]، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی[2] به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلفه، نظیر ترک و عرب و فارس، تقسیم می‌کند.

■ تابلو فرش ایرانی با موضوع وحدت مسلمانان که در آن اقوام و ملل مختلف مسلمانان را نشان می‌دهد؛ همگی به سمت خانه کعبه و آیه «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» دست بلند کرده‌اند و بالاتر از پرچم کشورهای مسلمان، آیه «هذا امتکم امةً واحدةً» نقش بسته است.

■ تمبر منتشر شده در مصر با پرچم کشورهای عربی با نوشتهٔ «جامعة الدول العربیة»

اقوام ایرانی به این آب و خاک دلبسته‌اند، عزت خودشان را در ایران آزاد و سربلند مشاهده می‌کنند. ملت ایران یکپارچه است. دارای آنان است. هر قومی از اقوام ایرانی باید در جهت پیشرفت ملی و تحقق آرمان‌های ملی و اسلامی گام بردارد. تنوع اقوام در کشور بزرگ و سرافرازمان یک فرصت است.

۱۳۶۸/۷/۱۰

۱ـ مستشرقان یا شرق‌شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر فرهنگ غرب و با اهداف و مواضع غربی، جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها را مطالعه می‌کنند.

۲ـ ناسیونالیسم به مجموعه‌ای از باورها و نمادها گفته می‌شود که دلبستگی و تعلق خاطر به ملت و عناصر تشکیل‌دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری، آرمان اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود.

متفکران ایرانی از دههٔ سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد تقلیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته شده بود، کتاب‌های متعددی تدوین کردند که غرب‌زدگی (جلال آل احمد)، بازگشت به خویشتن (دکتر علی شریعتی)، خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت (مرتضی مطهری) از جملهٔ آنهاست.

گفت‌وگو کنید

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجارها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. بدین‌وسیله عقاید، ارزش‌ها و فرهنگ‌های توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصهٔ مهم‌ترین منازعه هویتی می‌شوند.

فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگناهایی برای ساماندهی درست این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلی و ملّی) منطقه‌ای و جهانی چه تکالیفی داریم؟ شما چه پیشنهاداتی دارید؟

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها دربارهٔ هر انقلاب، دستاوردها و پیامدهای آن است. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند؛ مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایران و ایرانی داشته و تأثیرات هویتی آن بر جهان چه بوده است؟

■ آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های انقلاب فرانسه و روسیه متفاوت است. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه با شعار زنان، صلح، زمین به سرنگونی روسیه تزاری و برپایی اتحاد جماهیرشوروی سوسیالیستی انجامید. شعار انقلاب فرانسه آزادی، برابری و برادری بود و به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری منجر شد. با انقلاب اسلامی ایران، نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت.

بخوانیم و بدانیم

برقراری روابط پایدار میان اعضای جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینهٔ ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می آورد. به‌همین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصّی در آنها به وجود می آورد، به گونه‌ای که گاه دفاع از آن را تا پای جان وظیفهٔ خود می‌دانند. سرزمین، بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطرهٔ جمعی و مشترک درمی آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی ـ ایرانی جامعهٔ ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود.

جامعهٔ ایران به رهبری امام خمینی‌ﷺ و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت ﷺ به هویت اسلامی خود بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مرزهای جامعهٔ ایمانی خود و در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت، در عرصه‌های مختلف تا امروز ادامه یافته است.

■ ای خدا!
من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبادا که دشمنان از این راه مرا طعنه زنند. باید به آن سنگدلانی که به بهانه علم به مردم فخر می‌فروشند ثابت کنم که خاک پای من نخواهند شد. باید همه آن تیره‌دلان مغرور متکبر را به زانو درآورم آنگاه خود خاضع‌ترین فرد روی زمین باشم.

(شهید مصطفی چمران)

جامعهٔ ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعّال و اثرگذار است، به قلب تپندهٔ بیداری اسلامی[1] تبدیل شد. اینک جوامع اسلامی دیگر با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می‌کرد، جست‌وجو می‌کنند و به این ترتیب، اسلام به‌عنوان یک قطب فرهنگی[2] جدید در جهان ظاهر می‌شود. انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه‌پردازان غربی را که طی قرن بیستم، دنیوی شدن همهٔ فرهنگ‌ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها فراخوانده است.

۱ـ بیداری اسلامی: مقاومت‌هایی به منظور حفظ عزت و استقلال جهان اسلام در برابر نفوذ و سلطهٔ فرهنگ غرب است که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد.

۲ـ کانون یا مرکزی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای خود به‌ویژه پرسش‌های معرفتی و معنوی به آن رو می‌آورند.

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چلّهٔ پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همهٔ وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. شعارهای جهانی و فطری این انقلاب دینی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها ... انقلاب اسلامی ملّت ایران قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. در هیچ معرکه‌ای حتّی با صدام و آمریکا گلوله اول را شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.

■ برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب رهبر انقلاب اسلامی

شهید قاسم سلیمانی از تربیت‌یافتگان انقلاب اسلامی بود که عمری را به جهاد مخلصانه در راه خدا و دفاع از مظلومان و مستضعفان جهان گذراند. او از چهره‌های محبوب ایرانیان و آزادی‌خواهان جهان بود که به دستور مستقیم رئیس‌جمهور آمریکا در کشور عراق به شهادت رسید. وداع مردم عراق و ایران با ایشان که یکی از بزرگ‌ترین بدرقه‌های جهان بود و برگزاری صدها مراسم تکوداشت و راه‌پیمایی‌های اعتراضی و پرخروش در ده‌ها کشور جهان برای خون‌خواهی و انتقام ایشان، جلوه‌ای باشکوه از امتداد فرهنگی انقلاب اسلامی در منطقه و جهان بود.

■ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کشورهای جهان را به دو دستهٔ دارای سلاح هسته‌ای و فاقد این نوع سلاح تقسیم کرد و مطابق آن اعضای دائم شورای امنیت به‌طور رسمی صاحب سلاح هسته‌ای شدند.

■ با اینکه در هیچ سند بین‌المللی، سطری دربارهٔ تحریم‌های دارویی نوشته نشده است امّا در عمل، تحریم‌های دارویی، بیماران خاص ایرانی را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

تحلیل کنید

حجاب به‌عنوان نماد هویت جوامع اسلامی در صد سال اخیر فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان، حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازهٔ رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئلهٔ کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به هویت فرهنگی جوامع اسلامی تحلیل کنید.

مفاهیم اساسی

هویت ایرانی اسلامی انقلابی،

خلاصه کنید

- ایرانیان با مشارکت در حیات فکری جهان اسلام، زبان فارسی را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند.

آنچه از این درس آموختیم

درس نهم

بعد سیاسی هویت ایران

چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

آیا پدیده‌هایی چون شناسنامه، گذرنامه، پرچم، روزها و جشن‌های ملی، مرزهای سیاسی، نیروهای مسلح، جنگ، صلح، سازمان‌ها و ادارات، دادگاه‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، روزنامه‌ها، رسانه‌ها، صداوسیما، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه، مجلس خبرگان، رهبری، قانون، قانون اساسی، شیوه‌های حکم‌رانی و... نشانی از هویت جامعه دارند؟ وجه اشتراک این پدیده‌ها چیست؟ هر جامعه علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. به همین دلیل در معرفی هر جامعه از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند. چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

● قدرت و انواع آن

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و ارادهٔ خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است امّا قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همهٔ نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر ارادهٔ دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر ارادهٔ دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

به‌نظر شما چه راه‌هایی برای تأثیرگذاری بر ارادهٔ دیگران وجود دارد؟

■ محمدصلاح، فوتبالیست مصری، آن‌قدر در میان مردم مصر محبوبیت دارد که در انتخابات ریاست جمهوری بدون اینکه نامزد شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رأی داده بودند.

در سال ۱۹۸۰ م یک زن چینی به جریمه‌ای معادل ۲۰۰ دلار محکوم شد، چون مطابق قوانین، او اجازه نداشت که با داشتن یک فرزند، دوباره صاحب فرزند شود. علاوه بر این، نام کودک او تا چند سال در اسناد رسمی به ثبت نرسید و کودک از ورود به مدرسه و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی محروم شد.

■ علاوه‌بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

قدرت مقبول و قدرت مشروع: قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر گذاردن بر ارادهٔ دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیّت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دوصورت ممکن است.

تبعیت با کراهت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به‌دست می‌آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به‌صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می‌شود. به‌نظر شما قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می‌کنند، تا چه زمانی می‌تواند تداوم داشته باشد؟

■ موفقیت‌های سیاسی و اقتصادی آلمان در زمان صدراعظمی هیتلر، سخنرانی‌های پرشور او بر ضد پیمان ورسای و ترویج ایدهٔ ملی‌گرایی، باعث محبوبیت هیتلر در میان مردم شد.

■ استالین، در نهایی جان داد. علی‌رغم تأخیر او برای خروج از اتاق، هیچ‌کس جرئت نداشت در بزند و حالش را بپرسد چون شب قبل گفته بود، کسی مزاحمش نشود. همه می‌ترسیدند اینها نقشه‌ای برای سنجش وفاداری آنها باشد.

دانستید قدرتی که بدون استفاده از تهدید و رضایت تبعیت‌کنندگان به‌دست می‌آید، مقبولیت دارد، اما مشروع بودن قدرت معنای دیگری دارد.

بنابراین، مدار مقبولیت، خواست و ارادهٔ کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. البته قدرت مشروع نیز انواعی دارد: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند باهم باشند و می‌توانند از یکدیگر جدا باشند.

اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی. هنگامی که قدرت برخلاف حکم و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می‌گیرد. آیا در جامعه‌ای که فرهنگ مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟

■ رئیس‌علی دلواری، رهبر محبوب مردم تنگستان در قیام علیه استعمار انگلیس. ۱۲ شهریور به‌نام او روز ملی مبارزه با استعمار نام‌گذاری شده است.

■ مارتین لوترکینگ، رهبر پرنفوذ جنبش مدنی سیاهان آمریکا. در سخنرانی مشهور «رؤیایی دارم» از آرزوی خود برای احقاق حقوق سیاهان سخن گفت.

■ گاندی، رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس. مردم هند به او لقب ماهاتما (روح بزرگ) و باپو (پدر ملت) داده‌اند.

امام خمینی قدس‌سره تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان انقلابی را انقلاب دوم نامیدند. سفارت آمریکا محل توطئه و جاسوسی علیه انقلاب نوپای ایران اسلامی بود. تسخیر لانه جاسوسی آمریکا ابهت ظاهری و هیمنهٔ خودساختهٔ آمریکایی‌ها را در جهان فروریخت.

این حرکت به همه ستمدیدگان جهان جرئت داد تا برای رهایی خود از سلطه آمریکا دست به کار شوند. آمریکایی‌ها نیز متوجه شدند زین‌پس اعمال و رفتارشان بی‌پاسخ نخواهد ماند و با واکنش ملت‌ها روبه‌رو خواهند شد.

پس از تسخیر لانه جاسوسی، هزاران صفحه از اسناد جاسوسی و توطئه آمریکا علیه ملت ایران از داخل سفارتخانه کشف شد که این اسناد هم‌اکنون در قالب ده‌ها جلد کتاب منتشر شده و سندی بر دشمنی و خیانت آمریکا علیه ملت مستقل ایران است.

بخوانیم و پاسخ دهیم

نمونه‌هایی از دشمنی آمریکا با ملت ایران از زبان خودشان

در اسناد لانه جاسوسی که اسناد محرمانه آمریکایی‌هاست، نامه‌هایی و گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد آمریکایی‌ها جز به منافع خودشان در ایران نمی‌اندیشیده‌اند و برای رسیدن به این منافع نه‌تنها از حکومت مستبد پهلوی حمایت می‌کردند، بلکه ابزار لازم برای سرکوب ملّت

را به آنها می‌دادند و حتی توصیه به سرکوب بیشتر مردم هم می‌کردند. به سند زیر نگاه کنید:

از: اطلاعات و تحقیقات ـ دیوید ا. مارک. اکتینگ
به: وزیر ـ وزارت امور خارجه، یادداشت توجیهی سرّی
۲ نوامبر ۱۹۷۸ (۱۱ آبان ۱۳۵۷)
بحران رو به تزاید ایران
ـ تلاش‌های شاه برای آرام کردن مخالفین خود به شکست انجامیده است. مخالفین به‌هم می‌پیوندند و از این حرکت سود می‌برند، درحالی که شاه قوه ابتکار را از دست می‌دهد. شاه خودش در مشورت‌هایش با سولیوان، این موضوع را ابراز داشته است که اقدام سریع در خاموش‌سازی این اضطراب لازم است، اما به‌نظر می‌رسد وی قادر نباشد که تصمیم بگیرد که چه باید کرد؟ حقیقتاً در جریان مشورت با سولیوان و پارسونز، کاملاً عدم قابلیت خود را در تسلط بر مشکلاتی که با آن روبه‌روست، نشان داد. شاه تاکنون نتوانسته جز اقدامات ناقص برای اجتناب از تصمیمات سخت، پیش‌پیش چیز دیگری را بنمایاند....
بدون توجه به چگونگی شکل گرفتن عمل انتقالی، عظمتاً سرکوب‌های کوتاه مدت برای پایان بخشیدن به ناآرامی‌ها ضروری است. این عمل، در هر حال جواب مشکل اساسی نیست، زیرا این سرکوب‌ها حتماً به خشونت‌های وسیع‌تری تبدیل خواهد شد و این عمل کل قدرت را به‌خطر می‌اندازد و میدان را برای رادیکال‌ها در صحنه سیاسی ایران خالی خواهد گذاشت....
اگر شاه هرچه زودتر حرکت مهمی تا قبل از شروع ماه محرم ـ در تاریخ ۲ دسامبر ـ انجام ندهد، عظمتاً یک سری خشونت‌های جدی به‌دنبال خواهد آمد. ۱۰ محرم (۱ دسامبر) روز بخصوص باشکوهی برای مسلمانان ایرانی است و شریعتمداری و یکی از نخست‌وزیران پیشین اظهار داشتند که کار شاه تا آن وقت تمام خواهد بود... مگر اینکه شاه هرچه زودتر در این مورد اقدام کند. احتمال مداخله نظامی بسیار قوی است. نظم اعمال شده به‌وسیله ارتش، به‌طور قطع بیشتر از شش ماه طول نخواهد کشید. اقتصاد هم اکنون خسارت دیده است و مردم عادی ایرانی آموخته‌اند که حتی بدون اسلحه هم می‌توان در قدرت عظیم سیاسی نقش داشت. هیچ راهی وجود ندارد که ارتش یا زور بتواند میلیون‌ها ایرانی تازه آگاه شده را با رضایت خودشان برای سرافرازی رژیم پهلوی که به سختی لکه‌دار شده، به‌سر کار باز گرداند.
تهیه شده توسط: INR/RNA/SOA گریفین

منبع: اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد دوم، سند شماره ۳، صفحه ۱۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

سؤال:
۱ـ به‌نظر شما چرا آمریکایی‌ها به‌رغم آگاهی از عزم و ارادهٔ ملت ایران، سرکوب آنها را به حکومت پهلوی پیشنهاد می‌کردند؟
۲ـ توصیفات مخفیانه آنها از شاه در شرایط بحرانی حاوی چه نکاتی است؟

● قدرت سخت و قدرت نرم

قدرت را می‌توان به قدرت سخت و نرم نیز تقسیم کرد. قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و به‌طور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود. اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه‌ها و نهادهای آموزشی اِعمال می‌شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطهٔ سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطهٔ فرهنگی می‌شود.

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد.

در گذشته نبرد بین دولت‌ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خبر آن را منتشر می‌کردند، اما امروزه نبرد در حوزهٔ فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و درگیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامهٔ جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترده‌ای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولت‌ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی‌ها، ستاره‌های هنری، ورزشی و... از جملهٔ این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می‌توانند جریان‌ساز شوند.

هنگامی که سلطه به شیوهٔ فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان از این نوع سلطه به «هژمونی» تعبیر می‌کنند. سلطه هژمونیک از شیوه‌ها و ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری‌جویی خود استفاده می‌کند. برای نمونه رسانه‌های آمریکایی، اسلام‌هراسی را به‌عنوان شیوه‌ای برای بسط هژمونی آمریکا به‌کار می‌برند، تا مردم جهان را برای مقابله با اسلام راضی و همراه سازند.

■ ادوارد استودن اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های سرّی سیا را فاش کرد. این اطلاعات دربارهٔ جاسوسی از شخصیت‌ها و مردم عادی در مکالمات تلفنی، ایمیل و استفاده از موتورهای جست‌وجوی اینترنت در کشورهای مختلف بود.

■ سلبریتی به معنای ستاره و فرد مشهور است. ستاره‌ها سلبریتی‌شدن خود را مدیون رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نیز از طریق آنها درآمدزایی می‌کنند. سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز شده و جنبش‌هایی به راه می‌اندازند.

نظام سیاسی و انواع آن

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

هر جامعه‌ای به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی متناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

مجموعهٔ سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر، به‌ویژه نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.

نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد. نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعهٔ فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دور شود زمینهٔ بحران‌های فرهنگی و هویتی را فراهم می‌سازد. به‌نظر شما چه رابطه‌ای میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی وجود دارد؟

گفته شد که جامعه دارای هویت سیاسی است. جامعه با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند. با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام سیاسی را دسته‌بندی کرد و چه انواعی برای نظام سیاسی وجود دارد؟

■ با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، رایج شدند.

■ شعار جمهوری فرانسه بر سردر یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۰۵ م مبنی بر جدایی دین از سیاست.

* نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد.

الف) بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد؛
- نظام‌هایی که در آنها اقلیتی تصمیم‌گیرنده هستند؛
- نظام‌هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند.

ب) بر اساس روش تصمیم‌گیری؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند یا آنکه حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ج) براساس دین‌مداری یا دنیامداری؛ نظام‌های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این‌جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از این دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می‌برد[1]. در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را درصورتی‌که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

او حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند. او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می‌گذارد.

۱ـ دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها:

روش حکومت / تعداد حاکمان	براساس حقیقت و فضیلت	براساس خواست و میل حاکم
فرد	مونارشی	استبدادی
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشی
اکثریت	جمهوری	دموکراسی

فارابی در گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی علاوه بر دو ملاک پیش گفته، ملاک سوم را نیز درنظر می‌گیرد. در دسته‌بندی فارابی از نظام سیاسی، مدینهٔ فاضله جامعه‌ای است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. او جوامعی را که آرمان‌ها و ارزش‌هایشان الهی و عقلانی نباشد جوامع جاهله می‌نامد و آنها را به اقسامی تقسیم می‌کند.

گفت‌وگو کنید

دربارهٔ تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت‌وگو کنید.

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته شده در دنیای امروز هستند. دربارهٔ این دو نظام سیاسی چه می‌دانید؟

لیبرالیسم به‌معنای مباح دانستن همهٔ امور برای انسان‌هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و ارادهٔ اکثریت مردم سازمان می‌یابد. این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به‌رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان «جمهوری» در این ترکیب به‌معنای به رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمهٔ «اسلامی» نشان‌دهندهٔ این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرند.

عبودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقای معرفت و آگاهی، از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی هستند.

در نگاه اسلامی، اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نه‌تنها متجر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقرّب انسان به خداوند نیز می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی عبادات هنگامی که بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت دانسته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعّال باشد.

مقایسه کنید

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟

مفاهیم اساسی

جمهوری اسلامی،

خلاصه کنید

ـ عدالت، استقلال، آزادی، عمران و آبادانی و تأمین اجتماعی از جمله ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند.

آنچه از این درس آموختیم

درس دهم

ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند، چراکه جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می‌شود.

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند، امّا آیا اندازهٔ جمعیت به تنهایی برای بقا و رشد یک جامعه کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمسئول و بی‌تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

برای پی بردن به رابطهٔ جمعیت و هویت جامعه برخی از مطالب کتاب را مرور کنید. دانستید به مجموعه آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جامعه براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند و اینکه هویت هر جامعه براساس فرهنگِ آن (عقاید و ارزش‌ها) شکل می‌گیرد. بسط و گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهدهٔ افراد و اعضای جامعه برمی‌آید. اعضای جامعه، حاملِ فرهنگ و عامل به آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد.

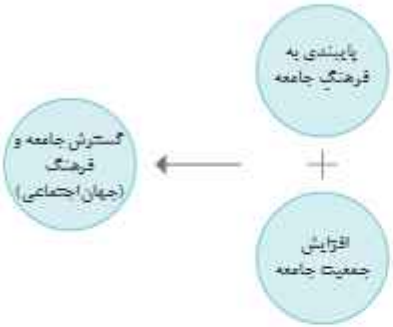

حالتی را تصور کنید که یک جامعه تمام اعضایش را از دست بدهد. آیا اثری از زندگی و بقا برای آن باقی می‌ماند؟ افزایش جمعیت یک جامعه زمینه‌ساز گسترش فرهنگ آن است. کاهش جمعیت یک جامعه نیز به محدود شدن گسترهٔ فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم می‌آورد. ازاین‌رو تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه، مسئله‌ای هویتی است.

بخوانیم و بدانیم

به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «اسناد خانوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همهٔ شجره‌نامه‌ها، که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفته است. نام او با خطی به نام ماریا که همسر او بوده وصل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرهایشان را نشان می‌داد و بعد نوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند، چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی‌شان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتادم که در آنها به‌ترتیب نام

افرادی نه‌چندان شناخته شده می آید و در نسل هشتم به نام داوود ﷺ می‌رسد و این‌گونه از او یاد می‌کند که «او پادشاهی بزرگ بود و برگزیدهٔ خداوند». فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود، داوودی پدید نمی آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من، پیدایش کسی به بزرگی و سروری داوود در نسل‌های آیندهٔ من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آدمی بزرگ بشود. چه حس خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرده‌ام، همین قدر که من معبری باشم برای گذرِ آیندگانی که شاید داوودی در میانشان باشد، کاری بزرگ است و البته بس دشوار. باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را اندکی اصلاح کنم و به بهتر از آنچه به من داده شده، تبدیل نمایم یا حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست‌نخورده تحویل آیندگان بدهم تا زندگی ام بی ثمر نبوده باشد. آن‌وقت، آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد؛ حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجره‌نامهٔ خانوادگی می بینند، به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

(چارلز هندی، همه کیمیاگریم)

هدف اسلام گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی است. لازمهٔ تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است؛ بنابراین اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن فرهنگ حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است؛ بدین ترتیب هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند. پیامبر اسلام ﷺ روز محشر به کثرت پیروان خود مباهات می‌کند.

آیا می‌دانید جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود چه می‌کنند؟ به نظر شما جامعهٔ ما از نظر جمعیتی چه وضعیتی دارد؟

فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم خانواده است. ولی ممکن است در مواقعی اختلال در خانواده، جامعه را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به دلایلی مانند بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، مصرف‌گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان، با مسئلهٔ کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند[1].

۱ـ قوام خانواده و فرزندآوری در گرو محبت، ایثار و فداکاری است. ولی با گسترش فردگرایی و اصالت لذت در جامعه، این محبت و ایثارگری کاهش می‌یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش جمعیت و فروافتادن جامعه در چاله جمعیتی می‌انجامد.

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حلّ مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه‌حل‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «**سیاست‌های جمعیتی**» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، در دو برههٔ زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد؛ یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و میزان رشد جمعیت از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجهٔ آن میزان رشد سالانهٔ جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت.

کاهش بیش از حد و کم‌سابقهٔ رشد سالانهٔ جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت. در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی، فرهنگ‌سازی برای احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و... توجه شده است.

مقایسه روند تغییرات ساختار سنی جمعیت کشور به فاصله دههٔ ۶۰ تا دههٔ ۹۰

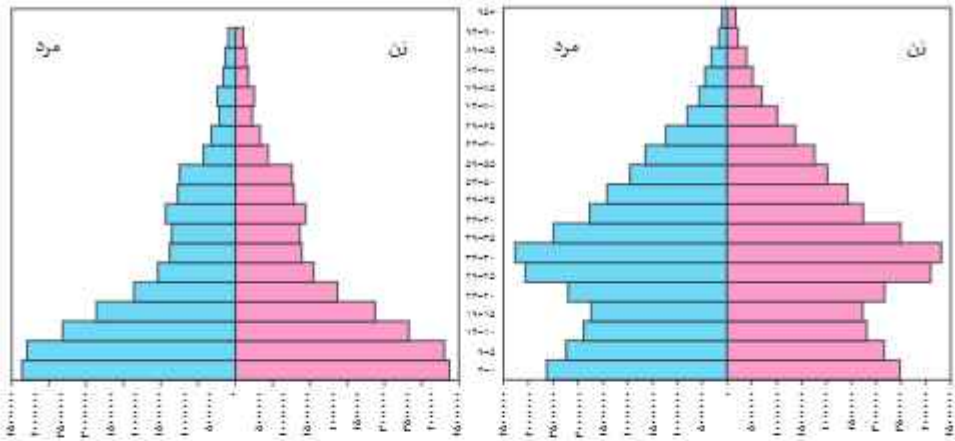

هرم سنی جمعیت ایران سال ۱۳۹۵ ■ هرم سنی جمعیت ایران سال ۱۳۶۵ ■

گفت‌وگو کنید

- همان‌طور که در هرم سنی جمعیت ۱۳۹۵ ملاحظه می‌نمایید، قاعده هرم نسبت به سال ۱۳۶۵ کاملاً در حال جمع شدن است از طرفی افزایش فوق‌العاده جمعیت گروه سنی ۲۵ـ۳۴ سال نیز کاملاً نمایان است.
- به نظر شما تداوم روند کاهشی رشد سالانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیان‌باری در پی دارد؟
- برخی کارشناسان معتقدند کاهش جمعیت و فرزندآوری بیش از آنکه متأثر از عوامل اقتصادی باشد منشأ فرهنگی دارد. نظر شما چیست؟ گفت‌وگو کنید.

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همهٔ ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی آوریم، برخی از افراد، کم‌فروش، محتکر، دلال و... هستند؛ ولی به دلیل ضدارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه، نشان‌دهندهٔ هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جوامع هم دارای هویت اقتصادی هستند؟ جوامع نیز هویت اقتصادی دارند ازاین‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند؛ مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم/ شکننده؛ دستوری/ غیردستوری؛ سرمایه‌داری/سوسیالیستی/اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز ما نتیجهٔ رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی دستاوردهایی مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت‌هایی همچون سدها و نیروگاه‌ها، توسعهٔ ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیهٔ انفاق و توجه به مستضعفان و محرومان را در پی داشته است و ازسوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی دست به گریبان بوده است.

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود امّا اگر به‌درستی از آن استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است.

چنین اقتصادی به‌دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است. دولت بزرگی به‌وجود می‌آید که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار، رفاه اقتصادی را تأمین کند.

این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. وضعیت شکننده‌ای را به‌وجود می‌آورد که زمینهٔ سوءاستفادهٔ قدرت‌های جهانی را فراهم می‌آورد. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. هویت انسان‌ها و جوامع بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. همچنین آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود برنمی‌تابند و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کنند.

بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب که از سویی اقتصاد را اساس همه‌چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیرسرمایه‌داری را نابودشده می‌بینند، پاشنهٔ آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ ازاین‌رو جنگ اقتصادی تمام‌عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.

■ ایران در زمرهٔ ده کشور برتر دنیا در عرصهٔ نانو

■ مجتمع تولیدی میتا

در چنین موقعیتی، راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند.

اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات‌بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیهٔ جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی ـ اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

تأمل کنید

حمایت از تولید ملّی یکی از راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی است. امّا آیا به معنای خرید چشم بسته کالای داخلی با هر کیفیت و قیمتی است؟ نه. حمایت از تولید ملّی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالایی با کیفیت و قیمت مناسب. ما، دولت و تولیدکنندگان هرکدام در این زمینه وظایفی داریم.

دولت می‌تواند با ارائهٔ تسهیلات به تولیدکننده، ممنوعیت واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، افزایش تعرفه‌های گمرکی بر کالاهای وارداتی و... از تولید ملّی حمایت کند. تولیدکننده باید سودجویی و فرصت‌طلبی را کنار بگذارد و خدمت به مردم و جامعه را هدفی مهم بداند و... . ما چگونه می‌توانیم از تولید ملّی حمایت کنیم؟

شما تا به حال از کدام کالاهای ایرانی حمایت کرده‌اید؟ چگونه؟ به‌نظر شما چرا بعضی ترجیح می‌دهند کالای خارجی مصرف کنند؟

شاید در نگاه اول این‌طور به نظر برسد که شما هنوز در انتخاب کالاهای مصرفی در خانواده‌تان نقش چندانی ندارید اما اگر کمی بیشتر فکر کنید، می‌بینید که این‌طور نیست. به‌علاوه، شما می‌توانید دربارهٔ ضرورت حمایت از کالای ایرانی با اعضای خانواده‌تان گفت‌وگو کنید و مطالبی را که در این درس خوانده‌اید، با آنها در میان بگذارید.

مفاهیم اساسی

اقتصاد مقاومتی،

خلاصه کنید

- پیش از این کاهش جمعیت از جمله مسائل و مشکلات کشورهای غربی بود اما امروزه جامعهٔ ما هم با این مسئله مواجه شده است.

آنچه از این درس آموختیم

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۹۳) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل احمد، جلال (۱۳۹۶) غرب‌زدگی. تهران: کلک زرین.
- آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۸۷) فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- ابرکرامبی، نیکولاس (۱۳۸۸) درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- ارسطو (۱۳۸۶) سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: علمی و فرهنگی.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷) هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- برگر، پیتر (۱۳۷۵) ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی فرهنگی.
- بودن، ریمون (۱۳۸۷) مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- بودن، ریمون (۱۳۹۰) منطق کنش اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹) فاس شهر اسلام. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: حکمت.
- پارسانیا، حمید (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح‌الحیاة. قم: اسراء.
- دارندورف، رالف (۱۳۷۷) انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) فارابی فیلسوف فرهنگ. تهران: ساقی.
- راسل، برتراند (۱۳۹۷) قدرت. ترجمه نجف دریابندری. تهران: خوارزمی.
- رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۹۶) واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی. تهران: آفتاب توسعه
- روشه، گی (۱۳۶۷) کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی.
- سو، الوین (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۷) بازگشت به خویشتن. تهران: قومس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) آراء اهل مدینه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: طهورا.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) سیاست مدنیه. ترجمه جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فی، برایان (۱۳۸۱) فلسفه امروزین علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- کچویان، حسین (۱۳۸۴) تطورات گفتمان‌های هویتی ایران. تهران: نی.
- کرامپتون، رزماری (۱۳۹۶) طبقه و قشربندی اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نی.
- کرایب، یان (۱۳۹۶) نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی‌پرست. تهران: آگه.

- کرایب، یان (۱۳۹۵) نظریه اجتماعی مدرن. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کوئن، بروس (۱۳۹۴) درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توتیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- لگیت، مارلین (۱۳۹۲) زنان در روزگارشان. ترجمه نیلوفر مهدیان. تهران: نی.
- لیندولم، چارلز (۱۳۹۴) فرهنگ و هویت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالمعبود انصاری. تهران: سمت.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: روزنامه ایران.
- هندی، چارلز (۱۳۸۸) همه کیمیاگریم. ترجمه سعید قاضی طباطبایی. تهران: هرمس.
- هیوز، استوارت (۱۳۸۶) آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: علمی و فرهنگی.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان دربارهٔ کتاب‌های درسی نوگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانهٔ راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائهٔ نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنجی کتاب هویت اجتماعی ـ کد ۱۱۲۲۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	عبدالله عادلی راد	بوشهر	۱۸	مهین ماندگاری	اصفهان
۲	نسرین عزیزیان	کردستان	۱۹	زهرا موسوی	خراسان رضوی
۳	لیلا شجاعی	خراسان جنوبی	۲۰	طلعت ابوطالبی	اصفهان
۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۲۱	صیاد گلشنی	آذربایجان غربی
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۲	عبدالله نجفی اصل	بوشهر
۶	افسانه عسگری	مرکزی	۲۳	یزن کاردوست	همدان
۷	فرشته حیدریان	ایلام	۲۴	امران کیانی	قزوین
۸	سهیلا دباغی	همدان	۲۵	خدابخش چاکری	سیستان و بلوچستان
۹	نسرین درویشی	خوزستان	۲۶	پروین نیک زر	یزد
۱۰	محمد علیزاده	ایلام	۲۷	لیلا کاخکی	هرمزگان
۱۱	سیدبهنام میرافضل	خوزستان	۲۸	محبوبه نورانی	سمنان
۱۲	مژده قربانعلی زاده	گیلان	۲۹	ابراهیم حاج حسینی	هرمزگان
۱۳	علی عبدالله‌زاده	گیلان	۳۰	علی ایمانی	شهر تهران
۱۴	مریم اسماعیلی	خراسان شمالی	۳۱	زهرا خراسانی	قزوین
۱۵	محمدهادی نوابی فرد جهرمی	فارس	۳۲	اکبر جاهدی خسروشاهی	آذربایجان شرقی
۱۶	عزیزاله علی زاده	شهرستان‌های تهران	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران
۱۷	مریم یحیی‌زاده	اردبیل	۳۴	ولی آقا قلیزاده	اردبیل

معلّمان محترم، صاحب‌نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران ــ صندوق پستی ۴۸۷۴ ــ ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی